نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال دوازدهم – شماره ٥٦٤ – یک شنبه ۱۲ مهر ماه ۱۳۸۸ – ۸ صفحه – ۲۵۰ تومان



بازی شاهین لکنت داشت

صفحه۷



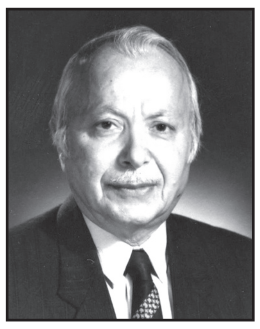
عکس از سعید دهقان

پیش نیازهای تحقق سهمیه ۵۰ درصد اشتغال بومی

در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی بوشهر

دکتر سید علی طبیب، پزشک قدیمی و دلسوز بوشهری:

خوشحالم که مردم ما را قابل می دانستند



صفحه۵

کلید طلایی شهر بوشهر برازنده کیست؟

محمد محبوبی



صفحه٦

سیامک برازجانی شاعر جوان :

شجاعت و جسارت باید در هنر شاعر بگنجد



صفحه٤




آرمین درویشی
دانش آموز ممتاز
کلاس چهارم
دبستان کوشا
با تشکر از آقای رایان پور


آریا درویشی
دانش آموز ممتاز
کلاس دوم
دبستان کوشا
با تشکر از آقای رایان پور


آرا درویشی
دانش آموز ممتاز
کلاس چهارم
دبستان شهید حسین نژاد
با تشکر از آقای پناهنده

جناب آقای مجید حسینی کنگانی

انتخاب شایسته جنابعالی را به عنوان مدیرعامل موسسه فرهنگی ورزشی شاهین بوشهر، تبریک عرض نموده، امید است با یاری خداوند بزرگ در این مسئولیت خطیر موفق باشید.

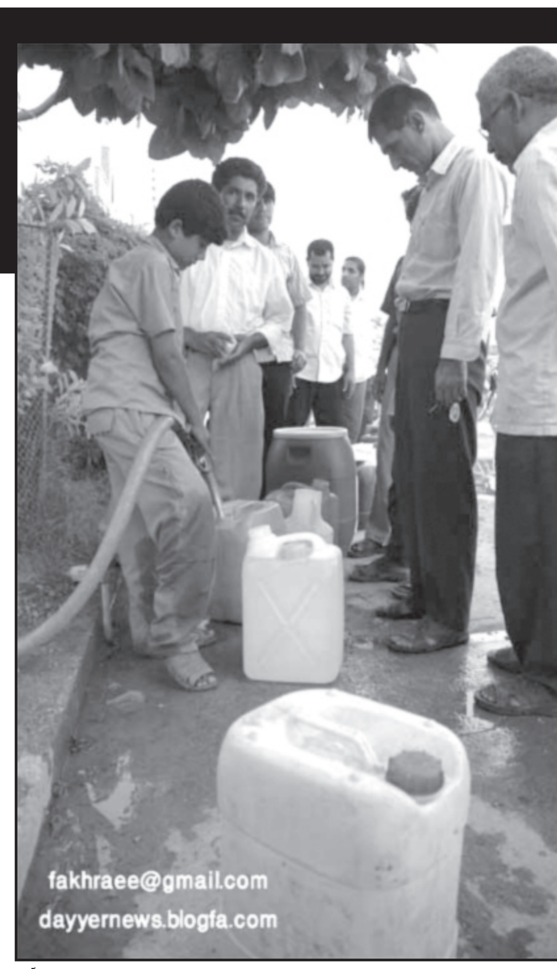
عبدالرضا عبدالله زاده



داد از بی آبی!

۳ روز بی آبی در بوشهر چگونه گذشت؟

گزارش از بهاره عالی پور



مردم بوشهر سه روز از هفته گذشته را با بی آبی سپری کردند. در این سه روز آب بطور کامل قطع شده بود و حتی شهرستانهای اطرف بوشهر هم آب نداشتند و در این میان از عالیشهر و برازجان هم خبر رسید که بی آبی برایشان گران تمام شده بود.
سه روز قطعی آب، با هدف بهره برداری و در مدار قرار دادن ایستگاه پمپاژ آب شهر شبانکاره برای بهره مند شدن مردم شهرهای جنوبی استان بوشهر از آب کافی بود، به همین دلیل خط آبرسانی کوثر تا ۸ مهرماه قطع شده بود. شرکت آب و فاضلاب شهری استان بوشهر جسته و پراکنده ازقبل اطلاع رسانی کرده و تعدادی از مردم خود را برای سه روز بی آبی آماده کرده بودند هر چند مردم آمادگی لازم را برای مقابله با بی آبی در آغاز سال تحصیلی نداشتند اما بنابر اعلام روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب شهری استان بوشهر، این شرکت درزمان قطعی خط آبرسانی کوثر تمهیدات لازم برای تامین آب مورد نیاز و ضروری مردم استان را انجام داده است و در همین راستا آبرسانی سیار به مدارس، بیمارستانها، اماکن عمومی و نانوایی ها در اولویت شرکت آب و فاضلاب استان قرار دارد. اما در این سه روز چه بر مردم گذشت؟!
مردمی که این روزها مزه تلخ بی آبی را زیاد می چشند، با سه روز بی آبی مواجه شدند تا خاطره سه روز بد بی آبی کامل را تجربه کنند.

داد از بی آبی !

احمدی یکی از شهروندان بوشهری از بی آبی موجود نگران است و با ناراحتی بسیارمی گوید: «داد از بی آبی ! چه کنیم از این مشکلات. انگار جیره بندی آب برایمان دائمی شده؛ اصلاً نمی دانیم دائمی ست یا موقتی؟!»
این شهروند میانسال بوشهری که ساکن محلات جنوب شهر(بهمنی) می باشد می افزاید: «اصلاً وضعیت آب خوبی نداریم. ساکن محله بهمنی هستیم و اکثر همسایه ها هم از بی آبی شکایت می کنند بطوریکه نتوانستیم ذخیره آب مناسبی را برای این سه روز تامین کنیم.»
وی در پایان مسئولین را مخاطب قرار می دهد و می گوید: « آیا در بوشهر مسئولی است که وضعیت زندگی ما را ببینید؟ مگر زندگی، بدون آب می شود؟ سه روز است که آبمان قطع است بالاخره بچه مدرسه ای داریم و آب نیاز است چرا که زندگی مان با آب می چرخد چه کسی جوابگوست؟ می دانید سه روز قطع آب یعنی چه؟»

نصب اتیکد "آب قطع است" بر روی درب سرویس بهداشتی

اداره ها هم روزهای سختی را سپری می کنند و مخازن آب یا تمام شده و یا رو به اتمام است. این را کارمندی می گوید که تمایلی به ذکر نامش ندارد.
او می گوید: «در اداره ها هم آب نداریم بر روی درب سرویس های بهداشتی اتیکد" آب قطع است" مشاهده می شود این هم از وضعیت اداره ها! به خانه هم که می رسیم آب نداریم بالاخره آب نیاز روزمره است مگر می شود استفاده نکنیم تا برای این ۳ روز ذخیره آب داشته باشیم! کارمند حتی نمی تواند دستش را بشوید ضمن اینکه کار بنایی هم داریم و همه کارها خوابیده...
این کارمند می افزاید: «ما که وصل شدن آب کوثر را ندیدیم چون مشکل آب رفع نشد واز آن موقع به بعد با بی آبی مواجه شدیم و به نظر من مردم را به باد دروغ گرفته اند. چطور می توانند توقع داشته باشند که مردم در مصرف آب صرفه جویی داشته باشند تا در سه روز قطعی آب با مشکل مواجه نشوند ما که در سبز آباد ساکن هستیم وضعیتمان از بهمنی بدتر است چون یک روز در میان آب نداریم.»

بعضی از نقاط باید کفاره کمبود آب را پس بدهند

شهروندی به نام بحرانی می گوید: «من نمی دانم انشعاب های شرکت آب به چه صورت است اگر بنا بر جیره بندی آب است چطور است که یک نقطه همیشه از نعمت آب بهره مند است و یک نقطه باید کفاره کمبود آب را پس بدهد. این چطور جیره بندی و سهمیه بندی آبی ست که گریبان ما را گرفته ولی یکی دو کوچه آنِ طرف تر طعم بی آبی را نمی چشد و اصلاً نمی داند کِی آب است و کِی آب نیست.»
جواب زندگی در بی آبی بوشهر را سالهاست که گرفته ام
سلیمانی یکی دیگر از شهروندان که ساکن بهمنی می باشد ظاهرا چند روز قطعی آب چندان در زندگی آنها تاثیری نداشته چون در این مدت از آب انبار استفاده می کردند. شنیدن صحبتهای او هم خالی از لطف نیست. او می گوید:«خوشبختانه در طول این ۳ روز مشکل خاصی نداشتیم چون از آب انبار استفاده می کردیم راستش را بخواهید در بوشهر زندگی کردن با یک یا دو مخزن آب کفایت نمی کند و اگر هم بخواهی منتظر آب لوله باشی نباید خیلی خوش بین بود چون یا آب قطع است و یا نصف شب می آید که همه خوابند و خانواده ام این را تجربه کرده اند و حالا همسایه هایم می گویند که آب در طول روز قطع است و نیمه شب وصل می شود.»
او اضافه می کند:« شاید خیلی ها فکر کنند استفاده از آب انبار به زمان قدیم بر می گردد و در زندگی امروز خوشایند نیست اما من حاضرم با همان شکل زندگی کنم چون جواب زندگی در بی آبی بوشهر را سالهاست که گرفته ام و دیگر نیازی نمی بینم که منتظر آن بمانم.»

با افتتاح سد کوثر نباید مشکل بی آبی داشته باشیم

اسدی هم به انتقاد می گوید:« من نمی دانم تا کی باید چنین وضعیت اسفباری در بوشهر وجود داشته باشد همیشه از افتتاح پروژه ها می گویند ولی ما هنوز مشکل آب داریم. در خیابان نادر یک روز در میان آب است در صورتیکه با افتتاح سد کوثر نباید مشکل بی آبی داشته باشیم و اگر هم بهانه جیره بندی را بهانه می کنند چرا بعضی از محلات آب دارند و بعضی دیگر از بی آبی رنج می برند؟»
به تعدادی از مدارس هم مراجعه کردیم که به گفته دانش آموزان برخی روبه راه بودند و برخی نه. مدیر یکی از مدارس راهنمایی بوشهر هم که تمایلی به ذکر نامش نداشت در گفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب گفت: «بهتر بود پیش از قطع شدن آب مراکز مختلف را از آب تأمین می کردند و یا با قراردادن منبع برای آنها آبشان را تأمین کنند.» او در این میان بوشهر را با پایتخت کشور مقایسه می کند و می افزاید: « در تهران صبح به صبح با آب تانکر خیابانها را می شویند اما مردم بوشهر برای زندگی روزمره شان هم با کمبود آب مواجه اند در صورتیکه اگر برنامه ریزی داشته باشند می توانند از آب دریا برای پاکیزگی خیابانها و دیگر موارد استفاده کنند و آب لوله کشی را تنها برای آشامیدن بگذارند.»
او اضافه می کند:«مردم هنوز تکلیف خودشان را نمی دانند و ما انتظار داریم کسانی که به عنوان نماینده در مجلس حاضر می شوند مشکلات را منعکس کنند و برای رفع آن هم تلاش کنند بالاخره امید مردم به نمایندگان منتخبشان است و انتظار دارند که برای آنها کاری انجام شود. ۲ روز است که از قطعی آب می گذرد و آب تانکر مدرسه در حال تمام شدن است و ما هم درخواست دادیم اما تا کنون از شرکت آب مراجعه نکرده اند؛ سرویس های بهداشتی جدید هستند اما چون با کمبود آب مواجه هستیم یا بچه های نمی توانند از آن استفاده کنند و یا نظافت را رعایت نمی کنند در هر حال محیطی مثل مدرسه که با بچه های زیادی سر و کار دارد نباید با چنین مشکلاتی مواجه باشد.»

مردم جنوب استان بی بهره از آب

در این میان صحبت های حسینی که دانشجو است بسیار جالب به نظر می رسید او که دقیقا در جریان قطعی آب و دلایل بروز آن قرار داشت علاوه بر بیان و تایید صحبت های شهروندان و گلایه های آنان یک سوال را مطرح کرد و آن سوال این بود.وی می گفت:«شاید شرکت آب سه روز را برای بهره مند شدن مردم شهرهای جنوبی استان بوشهر از آب کافی می دانست اما وقتی خود ساکنان بوشهر و محلات مختلف آن از بی آبی و یا آبرسانی مرتب و مستمر رنج می برند چگونه قرار است مردم شهرهای جنوبی استان بوشهر را از آب بهره مند سازند؟»
این سوالی بود که شاید شما و خیلی های دیگر هم در ذهن داشته باشند.

کاخ شهرداری بوشهر، در انتظار شهردار جدید

نیمه آبان ماه شهردار جدید انتخاب می شود



از زمان استعفای شهردار بوشهر زمان می گذرد. شورای شهر بوشهر در دو جلسه غیر علنی،۴ ساعت از وقت خودرا به نامه شهردار و موضوع انتخاب شهردار جدید اختصاص داده و به گفته یکی از اعضای شورای شهر ۶ ساعت دیگر زمان نیاز است تا پرونده شهردار بسته شود و شهردار جدید در ساختمان و به گفته عموم، کاخ شهرداری فعالیت خود را آغاز کند.
در جلسات غیر علنی که ظرف هفته گذشته در شورای شهر برگزار شد به شاخص های در نظر گرفته شده برای انتخاب شهردار اشاره شد و حدود ۱۵ گزینه از طرف هر یک از اعضای شورای شهر برای گزینه جدید شهردارپیشنهاد شد.
شورای شهر ۶ شاخص مهم را برای انتخاب شهردار جدید مد نظر قرار داده است که بدین شرح است:
۱- بومی باشد.
۲- حداقل دارای مدرک لیسانس و مرتبط با مدیریت اجرایی و شغلی باشد.
۳- سابقه اجرایی و مدیریتی داشته باشد.
۴- دارای صداقت و پاکی و حسن شهرت باشد.
۵- قدرت چانه زنی و تعامل داشته باشد.
۶- با شهر بوشهر و شهرداری آشنایی داشته باشد.
داریوش پوربهی در خصوص اقدامات انجام گرفته توسط شورای شهر بوشهر می گوید:« نامه استعفای شهردار در دستور کار شورا قرار گرفته است و مقرر شد همزمان با انتخاب شهردار جدید بر روی استعفای مهندس رجایی رأی گیری شود و چنانچه مورد تصویب قرار گرفت همزمان، سرپرست هم تعیین شود و آنگاه نامه های شهردار فعلی و سرپرست جدید به وزارت کشور معرفی شود.
پوربهی افزود:«تا کنون دو جلسه و ۴ ساعت وقت صرف بررسی در این خصوص شده است و به نظر من ۶ ساعت دیگر زمان نیاز است تا کار به یک نتیجه برسد و فکر می کنم تا نیمه آبان ماه شهردار جدید انتخاب شود.»
وی ادامه می دهد:« تا کنون بر روی استعفای شهردار توافق صورت گرفته و شاخص های انتخاب یک شهردار برای یک سال و نیم آینده مشخص گردیده است و اعضای محترم شورا هم گزینه های خود را به شورا معرفی کرده اند و شورای شهر در اقدام بعدی باید بر روی گزینه های پیشنهادی رأی گیری کند و افرادی که رأی می آورند با توجه به شاخص های تعیین شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم و در نهایت از میان گزینه ها یک نفر انتخاب می شود.»
پوربهی در پایان می گوید:«با توجه به اینکه برنامه و بودجه پروژه های سال ۸۸ تنظیم و زمان بندی شده است و بعضی از پروژه ها ناتمام مانده است و وضعیت مالی شهردار هم در شرایط خوبی نمی باشد لذا اکثر کارهایی که شهردار جدید باید انجام دهد ادامه و تکمیل پروژه هایی ست که از طرف شهردار فعلی به شهردار جدید تحویل داده می شود و فکر می کنم با توجه به مسائل مالی، شهردار جدید نتواند پروژه دیگری را تعریف و تنظیم کند.»

چند چالش مهم در انتخاب شهردار جدید بوشهر

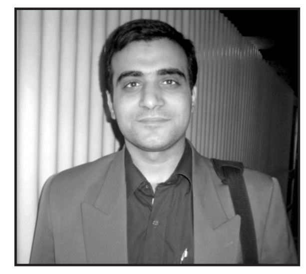


استعفای مهندس رجایی شهردار بوشهر بار دیگر شورای شهر بوشهر را در مقابل یک تصمیم مهم قرار داد و آن سپردن شهرداری بندر کهن بوشهر به دست فردی جدید است. شورای شهر بوشهر در هنگام انتخاب شهردار کنونی بوشهر با چالش های مهمی روبرو شد بطوریکه بسیاری معتقد بودند که این شورا نتوانست از پس این چالش ها برآید و تصمیم خود را تحت تاثیر مدیریت دولتی اخذ نمود که لاجرم بهترین انتخاب نبود. پس از آن نهادهای مردمی و اجتماعی و در راس آنها مطبوعات بوشهر که منتقد جدی این رویکرد شورای شهر بودند، در یک جمع بندی آگاهانه برای حفظ شان مردمی بودن شورای شهر و جلوگیری از ضربه پذیری بیشتر شهرداری که ناتوان شده بود؛ در سکوت به همراهی با تصمیم شورای شهر پرداختند و حتا در مواقع بسیاری به یاری اقدامات مثبت شهردار نیز پرداختند.
گرچه استعفای شهردار منتخب شورای شهر در نیمه راه، به نوعی بر صحت دیدگاه مطبوعات و منتقدان در هنگام این انتخاب صحه گذاشت که معتقد بودند کشتی طوفانی شهرداری را کشتیبان ماهر تری نیاز است، اما نباید از زحماتی که مهندس رجایی نیز در طی این مدت انجام داد به سادگی گذشت. اما اکنون باز برای شورای شهر بوشهر روز از نو و تصمیم از نو است و این شورا باید برای مدت باقی مانده از عمر خود، اقدام به انتخاب شهرداری جدید نماید.
اما همانند قبل این بار نیز چالش های مهمی شورای شهر را در انتخاب شهردار جدید تهدید می نماید.
یکی از این تهدیدها باند بازی و گروه گرایی است که در شورای شهر وجود دارد و بیم آن می رود که برخی از اعضای شورا در تقابل با دیگر اعضا، از کاندیدایی قوی حمایت نکرده و یا اقدام به معرفی کاندیدایی ضعیف اما همخوان با منافع باندی و گروهی خود نمایند. در این صورت ممکن است شهرداری قوی انتخاب نشده و یا از هم اکنون صف آرایی جدیدی در مقابل شهردار آینده شکل گیرد.
این امکان نیز وجود دارد تا بار دیگر مدیریت دولتی خارج از شورا سعی بر تاثیر گذاری بر تصمیم شورا نمایند و با معرفی کاندیدایی که برآورده کننده نظرات آنان در اداره شهر باشد، استقلال تصمیم گیری را از شورا گرفته و کاندیدای خود را بر منصب شهرداری بوشهر بنشانند.
این تهدید نیز وجود دارد که برخی از اعضای شورای شهر تحت تاثیر منافع فامیلی و قومی و خویشاوندی و دوستی خود قرار گرفته و راه را بر انتخاب یک شهردار متخصص ببندند و منافع شهر بوشهر را پای منافع شخصی و قومی خود قربانی نمایند.
چالش مهم دیگری که انتخاب شهردار جدید را تهدید می کند، روی آوری برخی از اعضای شورا به سوی کاندیداهایی است که قبلا امتحان خود را داده و کارنامه ناموفقی را از خود به جای گذاشته اند. طبیعی است که این عده خود سینه چاک گرفتن پست شهرداری بوشهر هستند و برای گرفتن این پست رایزنی نموده و به اعضای شورا و عوامل تاثیرگذار، وعده و وعید داده و سعی در جلب نظر آنان نمایند. سپردن شهرداری به افرادی که کارنامه موفقی ندارند و امتحان پس داده هستند، می تواند به گرفتاریهای کنونی شهرداری بیافزاید.
نکته مهمی که شورای شهر بوشهر باید به آن توجه نماید، تخصص و سابقه کاندیداها است بطوریکه سعی نماید که این عرصه را برای تجربه اندوزی دیگران، فدا نکند و فردی را برای شهرداری انتخاب نماید که ضمن داشتن تخصص کافی و دانش فنی برای اداره امور شهرداری، دارای سابقه مدیریت کلان استانی نیز بوده و به عبارتی علم و تجربه خود را با خود به شهرداری بیاورد نه اینکه بخواهد از شهرداری بوشهر برای بالا رفتن از مناصب مدیریتی استفاده نماید.

پیش نیازهای تحقق سهمیه ۵۰ درصد اشتغال بومی

در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی بوشهر

دکتر رضا آذین – استاد دانشگاه





نیم قرن از حضور صنعت نفت و گاز در استان بوشهر می گذرد. در این مدت، یکی از خواسته های سنتی و دائمی ساکنین این استان میزبان صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، داشتن سهمی از اشتغال در این صنایع بوده است. این خواسته در دهه اخیر به واسطه سرعت گرفتن پروژه های صنعتی به خصوص در منطقه عسلویه پررنگ تر از قبل دنبال شده است و گروههای متعددی از مدیران دولتی، نماینده گان مجلس، رسانه ها، سازمانهای مردم نهاد و نخبگان از زاویه های مختلف این مساله را دنبال کرده اند.

به طور کلی مساله اشتغال در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی را می توان در دو لایه بالادستی و پایین دستی تقسیم نمود. همچنین، اشتغال در هر دو بخش بالادستی و پایین دستی شامل دو سطح صنایع در حال ساخت و صنایع در حال بهره برداری می شود. به دلایلی همچون ماهیت پروژه ها و تنوع فناوری و نیاز به خدمات جانبی، اشتغال زایی بخش بالادستی (اکتشاف، حفاری، تولید، خطوط لوله و انتقال) نفت و گاز معمولا کمتر از بخش های پایین دستی (پالایش، پخش، پتروشیمی، ...) است.

در دوره ساخت، این صنایع توسط گروههایی از پیمانکاران داخلی و خارجی احداث می شود. در این دوره، طیف وسیعی از نیروهای کاری با تخصص های گوناگون مورد نیاز شرکت های پیمانکاری است. علاوه بر تنوع تخصص های مورد نیاز، از ویژگی های دیگر این دوره می توان به میزان بالای اشتغال نیروی انسانی متخصص، محدودیت مدت زمان اشتغال در هر پروژه، و رشد صنایع جانبی اشاره نمود.

در حقیقت، سهم مهمی از اشتغال در دوره ساخت به صنایع جانبی محول می شود که تجهیزات مورد نیاز صنایع در حال ساخت نفت، گاز و پتروشیمی را تامین می کند. به نمونه این صنایع می توان به صدرای بوشهر و شرکت های اقماری آن همچون سکو سازی و پوشش لوله اشاره نمود که در دوره اوج فعالیت های ساخت و ساز در عسلویه، ضمن تامین تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت، سهم قابل توجهی از اشتغال نیروهای بومی را نیز به خود اختصاص می دادند.

از سوی دیگر، صنایع نفت، گاز و پتروشیمی که مرحله ساخت و پیش راه اندازی را پشت سر گذاشته در حال بهره برداری می باشند، تعداد محدودی نیروی انسانی متخصص را استخدام می نمایند. به طور کلیِ، اشتغال زایی این بخش از نفت و گاز نسبت به سرمایه گذاری انجام شده پایین است. در این دوره، اشتغال نیروهای متخصص بیشتر از نیروهای غیر متخصص دیده می شود. همچنین، در مقایسه با صنایع در حال ساخت، اشتغال در صنایعی که به بهره برداری رسیده اند از پایداری و ثبات بیشتری از نظر مدت زمان اشتغال برخوردار است. در این دسته از صنایع نیز بار اصلی اشتغال را می توان بر عهده بخشهای خدمات فنی و فناوری های مرتبط (مثل کنترل، ابزار دقیق، فناوری اطلاعات، مخابرات، خوردگی، بازرسی فنی،...) دید. با فعالسازی این حوزه ها در بخش خصوصی، عملا سطح کیفی و دانشی اشتغال مرتبط با نفت و گاز در استان ارتقا می یابد.

برای تحقق سهم ۵۰ درصد اشتغال نیروی بومی در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی می توان از چند زاویه عمل نمود. در مرحله اول، مطالعه جامع آسیب شناسی چرایی عدم تحقق این خواسته در دو بخش صنایع در حال ساخت و صنایع در حال بهره برداری باید صورت گیرد تا به طور علمی و دقیق مشکلات کار استخراج شود. در مرحله بعد، استان بوشهر باید مجهز به برخی زیرساختها گردد و برخی زیرساختهای موجود را ترمیم سازد تا بتواند از مزیت نسبی میزبانی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی بهره مند گردد و سهم ۵۰ درصد اشتغال نیروی بومی در این صنایع را محقق سازد.

زیرساخت های مورد نیاز تحقق این امر، در دو بخش نرم افزاری و سخت افزاری خلاصه می شود. در بخش نرم افزاری، کلیه واحدهای آموزش نیروی انسانی اعم از دانشگاهها، مراکز پژوهشی، آموزشگاهها و مراکز فنی و حرفه ای، آموزش و پرورش، پارکها و مراکز رشد علم و فناوری، انجمن های علمی و سازمانهای مردم نهاد مد نظر است. مطالعه دقیق وضع موجود این مراکز که به طور مستقیم و غیر مستقیم به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز صنایع می پردازند، شکاف بین ظرفیت فعلی استان و نیاز صنعت در حال و آینده را آشکار خواهد کرد. بخش سخت افزاری شامل صنایع مادر و بزرگ (نظیر فولاد، لوله سازی، ساخت مخازن، سکو سازی و سیمان)، شرکت های پیمانکاری مجهز به تجهیزات صنعتی و دارای تجربه در احداث و نصب پروژه های نفت و گاز، ... است. چنانچه شاخصهای استان در هر یک از بخشهای نرم افزاری و سخت افزاری فوق بهبود یابد، تاثیر مستقیم بر تحقق سهم ۵۰ درصد اشتغال نیروی بومی در صنایع نفت و گاز خواهد گذاشت.

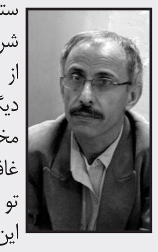
توجه و تقویت توان استان در تامین نیروی انسانی و خدمات مورد نیاز صنایع نفت، گاز و پتروشیمی رمز تحقق اشتغال پایدار در این صنایع است. در کنار این مهم، گسترش ارتباطات و رایزنی های راس های سیاست گزاری و برنامه ریزی استان با مدیریت و بدنه وزارت نفت زمینه ساز ارتقای سهم استان از میزبانی این صنایع است.

در ستایش عدالت(۲)

گستره‌ی عدالت

نگاهی به بازتاب عدالت در متون سنتی اخلاق
تقدیم به شادروان قاسم مهدی زاده

خلیل موحد



ستم پیشگان سرمست از باده‌ی قدرت و شراب ثروت بادآورنده، که آگاهانه و گاه از سر جهل ،اسباب رنج و محنت خود و دیگران می‌شوند در حقیقت، از جمله‌ی مخاطبان این خطاب عمیق مولانا هستند:

غافلی آگه ز زخم خودنه‌ای
تو عذاب خویش و هم بیگانه‌ای

این بیدادگران خود پرست والودگان به مالیخولیا، به تعبیر حکیم طوس، چشمان خرد خویش را فرو بسته تا ستم بر خلق را توجیه و ماست مالی کنند.

چنین گفت رستم به اسفندیار / که کردار ماند ز ما یادگار / تو با من به بیداد کوشی همی / دو چشم خرد را بپوشی همی

گستره‌ی عدالت

عدالت چه در معنای عام خود، یعنی باورمندی تئوریک و التزام عملی به رعایت سرحدات میانه‌روی و اعتدال در همه ی امور، و چه در مضمون و کارکرد خاص خود که در عبارت طلایی «نه ستم کن و نه ستم بپذیر» ظهور می‌یابد، در نزد علمای پیشا مدرنیته اخلاق،قلمرو فراخی دارد و چنین می‌نماید تمامی حیات آدمی را عرصه‌ی جولان و تجلّی خود کرده و به زوایای گوناگون زیست آدمیان سرک کشیده و آن را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

زین قصه،هفت گنبد افلاک پر صداست
کوته نظر ببین که سخن مختصر گرفت. (حافظ، غزل ۸۵)

حیطه‌ی عدالت ورزی که شخص مدعی عدالت باید درمدار آن حرکت کند عبارت‌اند از: اخلاق، افعال، دادنی‌ها و بخشش‌ها، توزیع اموال، معاملات و داد و ستدها،حکمرانی و سیاست.(۱۲)

طبیعی است کسی توانایی گام برداشتن در مسیر پرلغزش عدالت و میانه روی را دارد که به رفتارها و کردارهای داخل در حدود وثغور اعتدال و عدالت بصیر و دانا بوده و به شناختی عمیق از حدّ وسط و بر ون داده‌های عملی اندیشه‌ها و سویه‌های دوگانه افراطی و تفریطی آن رسیده و خرد، پادشاه کشور وجود وی باشد. زیرا کردارهای نامعطوف به آگاهی چند لایه، و در جا زدن در سطوح بیرونی پدیده‌های اجتماعی و پرستش قشریت و پوسته گرایی صرف، ذهن آدمی را در گرایش به معنا یابی پرمایه قفل خواهد کرد. به گفته‌ی شاعر:

تو آن صورت خود چنان می‌پرستی
که تا زنده‌ای ره به معنی نداری.

کردارهای عادلانه

مناسبات عادلانه امّا میان آدمیان با یک دیگر چگونه تعریف شده و شکل خارجی به خود می‌گیرد؟

خروجی نگاه دادگرانه به امور و عدالت ورزی در ارتباطات انسانی،در کردارهای زیر نمود می‌یابد:

ادا کردن حقوق دیگران، ردّ امانات، رعایت انصاف در معاملات و مبادلات، احترام به بزرگان و کهنسالان، فریادرسی مظلومان و یاری رسانی به تهیدستان،رفتار به گونه‌ای که هر کس به حق خود راضی بوده و به دیگر کسان ستم روا ندارد و هر یک از هم نوعان را در حدّ امکان وادارد تا در حقّ یک دیگر دست به ستم، تطاول و تجاوز نگشوده و حقوق برادران «مؤمن» خود را در مقیاسی که می‌تواند برآورد. افزون براین،عمل کردن به حقوق مردگان صاحب حق،مانند پرداخت قرض‌های آنان،رفتار مطابق وصیّت آنان و طلب رحمت برای ایشان از طریق دادن صدقه و دعا کردن نیز از دیگر کنش‌های عادلانه است.(۱۳)

گرچه در سخن پیش گفته، فقط به رعایت حقوق برادران مؤمن اشاره شده است؛ ولی باید تصریح کرد انسان بماهو انسان باهرنوع جهان بینی وایدئولوژی دارای حقوقی بنیادین است که باید به تمام وکمال آن را پاس داشت. رعایت حقوق بشر امری فرا دینی، فرازمانی وفرامکانی است واختصاصی مؤمنان ویا کافران نبوده ، بلکه به همه‌ی بشریت تعلّق دارد. آفتاب حرمت وکرامت انسان باید مانند خورشید برهمگان یک سان بتابد.

پیش نیاز دادگستری و عدالت ورزی و استیفای حقوق مردم،ولی‌اصلاح درونی و داشتن ساختار روحی متعادل و ذهنی ناآشفته است.؛ زیرا کسی که در ساحت وجودی خویش، در نظم و هم پوشانی نیروهای متضاد درونی و ایجاد توازن میانِ گرایش‌ها و امیال و کشش‌ها و رسیدن به عدالت درونی کاملاً ناکام بوده و دچار ناهماهنگی مهیب و تعارض جدی وجودی است، نمی‌تواند در عرصه‌ی عمومی پرچم‌دار عدالت و اصلاح خلق باشد. این مدل افراد به گفته‌ی مولانا نخست باید برای خود منبر بگذارند.

منبری بگذار بهر خود نخست
وانگهی برپا به منبر تند و جست
نفس را اول برو در بند کن
وانگهی آهنگ وعظ و پند کن

شخص این چنینی ،به عقیده‌ی ملااحمد نراقی «نه شایستگی سیاست مردم را [دارد و] نه لایق ریاست شهر است و نه سزاوار سروری مملکت. و چراغی که حوالی خود را روشن نگرداند چگونه روشنائی به دورتر می‌بخشد».(۱۴)

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند
نه هر که آینه سازد سکندری داند
نه هرکه طرف کله کج نهاد و تند نشست
کلاه داری و آیین سروری داند
هزار نکته‌ی باریکتر زمو اینجاست
نه هر که سربتراشد قلندری داند
...
وفا و عهد نکو باشد اگر بیاموزی
گرنه هر که تو بینی ستمگری داند
بقد و چهره هر آنکس که شاه خوبان شد
/ جهان بگیرد اگر دادگستری داند. (حافظ،غزل ۱۷۴)

محقق طوسی و حکیمان نراقی به این باورند که عناصر نایکرنگ و ریاکاری که به دروغ خود را در جرگه‌ی عادلان قرار داده،و در نفس الامر (واقعیت امور) شوق دست یابی به مال مشروع مردمان داشته و یا قصد نفوذ در دل‌های خلق و یا فراچنگ آوردن جاه و مقام و یا نزدیکی به ارباب قدرت دارند، این قماش سالوسان را نمی‌توان در زیر مجموعه‌ی دادگران طبقه بندی کرد.(۱۵)

حافظ این خرقه بینداز مگر جان ببری
کاتش از خرمن سالوس و کرامت برخاست (حافظ، غزل ۲۷)

ادامه دارد...

کاغذین جامعه

فرخ روزبهی



کاغذین جامعه یا جامعه کاغذی جامه ای بوده که متظلم یا کسی که حقی از او ضایع شده بود، می پوشید و نزد حاکم می رفت و حاکم با دیدنِ آن فرد در می یافت که او شاکی و دادخواه است. این کار ظاهراً برای آن بود که در مواردی دادخواهان موفق نمی شدند عریضه خود را به دست حاکم برسانند. لذا محتوای آن را روی کاغذ می نوشتند و به تن می کردند و آن گاه زیر «علم داد» که در برابر خانه حاکم افراشته شده بود؛ جمع می شدند تا حاکم آنان را ببیند. اما همواره بعضی از این ستم دیدگان آگاهانه دیده نمی شدند.

کاغذین جامعه به خوناب بشویم که فلک/ رهنمونیم به پای علم داد نکرد

سخن حافظ بیان حال شهروندانی است غیرخودی، درجه دوم و رها شده در جامعه. در حالی که جامعه کاغذین پوشیده و شرح دادخواهی خود را بر آن نوشته اند، روزگار یا شرایط و ساختار اجتماعی- سیاسی یا اراده ای خاص، آنان را به پای علم داد راهنمایی نمی کند؛ تا مرجعی به شکایاتشان رسیدگی کند.

اما جای بسی امیدواری است که در تلقی مذهبی حق و دعوا متفاوت قلمداد شده اند و بدلیل عدم امکان طرح دعوا، وجود حق به طور کلی و خواسته های قانونی مردم زیر سئوال نمی رود. حضرت علی (ع) زره مفقود خود را در دست فردی یهودی یافت. از وی مطالبه نمود، ولی یهودی منکر شد. نزد قاضی رفتند قاضی منصوب از طرف حضرت علی (ع) از حضرت مطالبه بینه (شاهد) نمود. چون حضرت علی به عنوان مدعی نتوانست با آوردن شاهد ادعای خود را ثابت کند؛ حکم به بی حقی وی داده شد. اما آیا می توان گفت حضرت در دعوی بحق نبوده است؟ لذا این امکان وجود دارد که با رفع موانع فوق الذکر و در فرصت مناسب در یک فضای عقلایی صداها شنیده شده و حقوق و مطالبات مشروع و قانونی مردم به بار نشیند.

کاغذین جامعه هدف وار علی اله زنیم / تا به تیر سحری دست قدر بربندیم

در جامعه نابرابر، نفوذ اجتماعی سیاسی،... قوانین و در نتیجه حقوق افراد و گروه ها را زیر پامی گذارد. به بیان دیگر با افراد به تناسب موقعیت و سلسله مراتب اجتماعی شان برخورد می شود و قانون، خود متأثر ازنابرابری است اما در یک جامعه سالم پایه احقاق حق بر مساوات در مقابل قانون و احترام به حقوق افراد گذاشته شده است.

دادود هش گر بنا کنند به کشور / به که حصاری کنند زآهن و فولاد (ملک الشعرای بهار)

منابع:
– حجاریان، محمد حسن، تجلی مفاهیم و نظام حقوقی در شعر فارسی، انتشارات جنگل، چاپ اول،۱۳۷۱
– کلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوی، در امور مدنی و کیفری، انتشارات تدریس، چاپ سوم، شهریور ۱۳۸۷

مدیران و نخبگان ، "ابراز عقیده" و فرصت "شنیده شدن"...

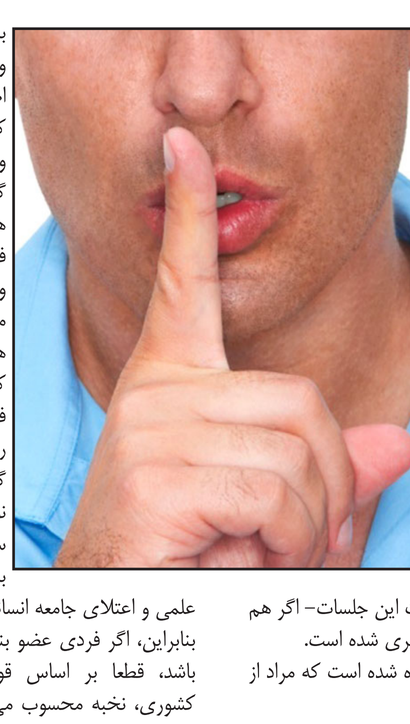
ابوذر زنگویی نژاد، دانشجوی دکتری مدیریت- سیستم ها، دانشگاه تربیت مدرس
Azangoeinezhad@modares.ac.ir

"در باب پیشرفت و توسعه، اشتباهی بدتر از این نیست که به امیدهای واهی تکیه کنیم و خیلی زود از میان برویم"

اتخاذ تصمیمات درست و اجرای آنها به طور مستمر، منجر به نتایج پیشرفت می شود. البته افراد نخبه و در مقیاس بزرگ تر، استان ها و کشورهای موفق و توسعه یافته، دارای یک خط مشی کامل و بی عیب و نقص نیستند، اما به طور کلی می توان گفت، تصمیمات مناسب و درست آنها خیلی بیشتر از تصمیمات نادرست شان است. حتی مهم تر از این، در خصوص تصمیمات واقعا بزرگ نیز به گونه ای شگرف به سمت هدف حرکت می کنند. البته این موضوع سوالی را در ذهن بر می انگیزد که آیا این گونه افراد و نهادهای اجتماعی صرفا به واسطه خوش شانسی پی به یکسری تصمیمات درست برده اند؟ پاسخ این است که آنان دو نوع طرز تفکر قانونمند و مشخص را دنبال می کنند: اول اینکه آنان این عملکرد را از طریق رویارویی با حقایق ناخوشایند به اجرا می رسانند و دوم اینست که آنها یک چارچوب ساده اما بسیار خردمندانه را مرجع تمام تصمیمات قرار می دهند.

آه آه از دست صرافان گوهر ناشناس / هر زمان خر مهره را با در برابر می کنند (حافظ)

یکی از مضمون هایی که مدام توسط مدیران استان و برخی نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا کوک شده و می شود، این است که ما از نخبگان در تصمیم گیری استفاده خواهیم کرد و البته تاکنون برای چند نشست با عناوین همایش نخبگان استان بوشهر و نشست نخبگان بوشهری مقیم مرکز (تهران) و ... دعوت شده است که در هر بار حضور، با عدم حضور بخش اعظمی از نخبگان علمی در این گردهمایی ها مواجه شده ایم؛ و همواره این جلسات بدون داشتن دستور کار مشخص و در حد یک دیدار و نشست بین دوستان قدیمی برگزار شده است؛ و کمتر مصوبات این جلسات- اگر هم وجود داشته اند- پیگیری شده است.



البته کمتر توضیح داده شده است که مراد از نخبه چیست!؟

در اینجا جهت روشنی افکار خوانندگان، اجازه می خواهم ابتدا تعریف این واژه و مفهوم را با یکدیگر مرور کنیم. به استناد ماده ۴ اساسنامه بنیاد ملی نخبگان، "نخبه" به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می شود که اثرگذاری وی در تولید و گسترش علم و هنر و فناوری و فرهنگ سازی و مدیریت کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید و گسترش دانش و نوآوری ، موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و اعتلای جامعه انسانی کشور گردد. بنابراین، اگر فردی عضو بنیاد ملی نخبگان باشد، قطعا بر اساس قوانین و تعاریف کشوری، نخبه محسوب می گردد. حال آیا نخبگان مطرح در جملات افراد ذکر شده در بالا، شرایط نخبگی را احراز نموده اند!؟

می خواهم به یک مورد از این دست کاربرد های مضمون نخبه اشاره کنم: معاون استانداری بوشهر گفت: "پس از اعلام اولیه استاندار محترم بوشهر در جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه استان مبنی بر تنظیم و ارایه سند چشم انداز و راهبردهای توسعه استان در افق ۱۴۰۴، ضمن دعوت از نخبگان و صاحب نظران در این خصوص، پیش نویس مورد نظر تنظیم و ارایه شده است ... وی از همه متخصصان، صاحب نظران و علاقه مندان به استان بوشهر خواستند در تکمیل و تدوین بهتر این سند، نظرات ارزشمند خود را به پست الکترونیکی یا بصورت مکتوب ارسال نمایند".

این جملات البته در دنیای الفاظ زیبا هستند و مخاطب عام نیز از رویکرد علمی محور مسئولان خرسند خواهند شد. اما در دنیای واقعی از نخبگان جوان و واقعی استان جهت حضور و اظهار نظر دعوت صورت نمی گیرد! اگر آقایان اعتقادی به استفاده از نخبگان در مدیریت آینده استان داشتند، قطعا از نظرات نخبگان جوان استان برای تهیه سند چشم انداز استان استفاده می کردند، چرا که در آینده نزدیک، آنها می بایست سکان راهبری و مدیریت استان را در دست بگیرند و قطعا در پیشبر سندی که خود در تنظیم آن نقش داشته اند، تلاش پیگیرانه تری نشان خواهند داد.

اکنون ممکن است بگوئید، افراد نخبه چگونه با استفاده از حقایق ناخوشایند با انگیزه باقی می مانند؟ بله، رهبری یک جامعه یعنی ایجاد انگیزه اما به همان نسبت با ایجاد فضایی که درآن حقایق مطرح شده و نیز رویارویی با حقایق ناخوشایند، عجین است. تفاوت عظیمی بین فرصت "ابراز عقیده" و فرصت "شنیده شدن" وجود دارد.

پیامبر ما چنین بود و چنین گفت(۲)

اخلاق نیکوی پیامبر(ص)

حجت الاسلام والمسلمین محمد فولادی



رفتار هر فردی نشانه ی شخصیت فکری و روحی اوست. ما انسان ها به صفات و خصوصیات ، خوی و خصلت هایمان شناخته می شویم و اصلا ما یعنی همان رفتارمان، و رفتار و اعمالمان نمودی از خواسته ها، علاقه و وابستگی ها، اندیشه و نگاه هایمان است. اخلاق بارزترین نشانه و معرف شخصیت هر فرد است. به همین دلیل شناخت اخلاقی پیامبر(ص)می تواند بهتر ما را به شخصیت آن حضرت نزدیک کند و نکته ی دیگر اینکه رسالت اخلاقی پیامبر(ص) مورد اتفاق همه ی مسلمانان است که آن را رسالتی جاوید می دانند یعنی همان طور که پیامبر(ص) برای تبلیغ پرستش خداوند و یکتاپرستی آمده بود، برای گسترش اخلاق و تزکیه و تهذیب روح و روان نیز آمده بود و این دو رسالتش خاتمیت نیافته و برای همیشه دعوت آن حضرت باقی است .چون ممکن است بعضی از عالمان دینی بر این عقیده باشند که حکومت ،رسالت جهانی آن حضرت نبوده، که پیروان آن حضرت بکوشند همچون ایشان آن را ایجاد کنند. اما در یکتاپرستی، اخلاق و صفات نیکوی انسانی کسی اختلاف در آن ندارد چون اگر این دو را از دین برداریم دیگر چیزی از دین باقی نمی ماند. چون ان دو گوهر دینداری محسوب می شوند.

قرآن:«و انک لعلی خلق عظیم» و براستی که تو بر خوی و خصلت بس بزرگ هستی» (سوره قلم/۴).

اخلاق پیامبر(ص) همان صفات خوب قرآنی است که جامع اوصاف نیکوی انسانی را در برمی گیرد، رفتار رسول خدا(ص) در همه جوانب در نیکوترین هیأت و شکل و زیباترین حالت، ظهور پیدا می کرد. چنانکه گفته اند: «کان خلق رسول الله(ص) القرآن» اخلاق رسول خدا(ص) قرآن بود. (مسند احمد بن حنبل/ ج۶/ ص۲۶۵).

خداوند پیامبرش را بر محبت خودش تربیت کرد و او یک پارچه محبت و دوستی خداوند و خلق خداوند بود، لذا حریص بر هدایت بندگان بود.

امام صادق(ع): «ان الله عزوجل ادّب نبیّه علی محبّته» خدای بزرگ پیامبرش را با محبت خود ادب کرد. (اصول کافی/ ج۱/ ص۲۶۵).

پیامبر(ص) رسالت خود را «اتمام ارزش های اخلاقی» می دانست و می فرمود: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» یا بعثت بمکارم الاخلاق ومحاسنها (مجمع البیان/ ج۱۰/ ص۳۳۳).

نشانه ی دینداری و امت و پیرو پیامبر(ص) بودن: داشتن اخلاق و رفتار پسندیده است که در زندگی فردی و اجتماعی هر کسی باید نمایان باشد و الا با اسم و ادعا و ادا کسی دیندار و مؤمن نخواهد بود.

در این ره انبیاء چون ساربانند
دلیل و رهنمای کاروا نند
وز ایشان سید ما گشته سالار
همو اول همو آخر در این کار
جمال جانفزایش شمع جمع است
مقام دلگشایش جمع جمع است
روان از پیش و دل ها جمله از پی
گرفته دست جان ها دامن وی

نسیم جنوب

۴

ادب وهنر

شماره ٥٦٤ یک شنبه ۱۲ مهر ماه ۱۳۸۸

NASIM JANOUB

جفره غرق گل وگندم می شد

تقدیم به یونس قیصی زاده

محمد آذری – فروردین ۸۸



وقتی با خبرشدم
که عمر مثل برق و باد گذشت
و در آستانه ی پیری
قیمت دارو
از حقوق بازنشستگی
پیشی گرفت
و از پس آنهمه سال دانستم
که هیچ نمی دانم
و همچنان بر "مدارصفردرجه" می رانم
که در جستجوی مهربانی
بسیار گشته بودم
****
وقتی با خبر شدم
که شادی لحظه ای شد
و اندوه سالی
و دانایی به نادانی
کرنش می کرد
که اندیشه خریداری نداشت
و نادانی به بهای گزافی
خرید و فروش می شد
که میراث پدرانم
دریغی بود
و میراث من
حسرتی
****
وقتی با خبرشدم
که زیبایی وعشق
سرمستی و شاد کامی
که سراسر زندگی ام را
گلباران کرده بودند
از نفس افتاده اند
آرزو ها پیر شدند
و به خانه بخت نرسیدند
****
وقتی با خبر شدم
که نان گران بود
و جان ارزان
که روزهای جوانی گذشته بود
آنگاه که از جاده های گندم پوش
از بوشهر به جفره می رفتم
و عطرشببو ها و پونه های وحشی
درونم را معطر می کرد
جفره غرق گل و گندم می شد
****
وقتی باخبر شدم
که تو رفته بودی
به نا کجا آباد تنهایی و غربت
به جانبی که نمی دانستی
عشق است یا ترحم
که زمان شتابان گذشت
و فرزندان انتظار
همچنان ایستاده بودند
و کلاغ ها از صبح تا غروب
قارقار می کردند
وقتی باخبر شدم
که جهان آنقدر کوچک شده بود
که تصویر تو را از آنسوی جهان می دیدم
که هفت سین می چیدی
و در انتظار تحویل سال
لحظه شماری می کردی
وعطر بهار نارنج شیراز را
در کوچه های لوس انجلس
احساس میکردی
آنسوی جهان
کودکان بازی کودکانه می کردند
و این سوی جهان
کودکان با تفنک های بادی
شلیک می کردند
و واژه ی جنگ جنگ را
تکرار می کردند
****
وقتی باخبر شدم
که چشم های جنگلی ات
بارانی بود
وصورت مهتابی ات
خیس
که شادی پا به گریز نهاد
و اندوه
سلانه سلانه
به خانه ما آمد
و ماندگار شد
و من با روزهای سوگوار
هم خانه شدم
****
وقتی باخبر شدم
که صدای مهربانی و عشق
از نفس افتاده بود
و من از آینه گریزان بودم

* جفره علیباش روستایی نزدیک بوشهر بود

سیامک برازجانی شاعر جوان :

شجاعت و جسارت باید در هنر شاعر بگنجد



سوژه در شعر و چگونگی انتخاب؟

سوژه یا موضوع شعر باید برای شاعر حتی اگر تجربه نکرده باشد اما ملموس بوده؛ یعنی آن تأثیر لازم را بر او گذاشته باشد تا آن را به عنوان سوژه شعر خود برگزیند، بنابراین در این انتخاب باید دانش بینایی ویژه ای را داشته باشد و با موضوع یگانه شده باشد.

سردو ن شعر استعدادی است یا اکتسابی؟

هر دو، به این معنی که شعر باید به صورت ذاتی در نهاد (ناخودآگاه) شخص وجود داشته باشد و شاعر به مرحله الهام شاعرانه رسیده باشد و بعد در اثر تربیت اجتماعی و مطالعات گسترده، تجربه های بیشتری را به دست آورد.

نقش کلمه واژه در شعر؟

هر چه شاعر واژه های بیشتری را در اختیار داشته باشد، با دست بازتری شعر خود را پیش می برد؛ همچنین واژه ها باید به گونه ای انتخاب شوند که بیشترین و بهترین کاربرد ممکن را در شعر داشته باشند وبه صورت اضافه و غیرمنفعل یا محدود نباشد و به اصطلاح از فتیله شاعرانه هم گذر کرده باشند.

لفظ و ساختار در شعر مهمتر است یا محتوا؟

در اولین نگاهی که به شعر می شود (یعنی در واقع چیزی که توجه خواننده را به شعر جلب می کند)، چگونگی قرار گرفتن واژه ها و انسجام آنها و به طور کلی شکل موسیقایی و بیان شاعرانه است که باعث می شود شعر برای مخاطب جذاب باشد، اما در حقیقت شاعر به وسیله بیان و الفاظ زبان آنچه را می خواهد می گوید و این لفظ و ساختار در واقع وسیله ای هستند تا بتوانند دنیای معانی ذهن خود را بیان کند. البته لفظ و ساختار و معنی و محتوا مکمل یکدیگرند، گرچه شعر با معنی و محتوا در ذهن شاعر تمام است اما اثر آن وقتی معلوم می شود که با لفظ برای دیگران محسوس می شود؛ پس حفظ تعادل بین این دو برای شعر ضروری است.

نقش شجاعت و جسارت در شعر؟

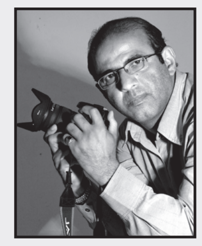
یکی از اصول مهمی که شاعر باید آن را دارا باشد، همین شجاعت و جسارت برای آوردن کلمات و معانی تازه در شعر است و آن قدر این شجاعت را باید در خود تقویت کند که بتواند بدون هیچ ترس و خود سانسوری، آن چه را می خواهد (چه آوردن واژه ها و معانی جدید و چه مسائل فردی و اجتماعی و...) را با بیانی شاعرانه بگوید، البته این جسارت باید مناسب با تجربه شاعرانه او به تدریج وارد شعر شود و تمام زوایا و موقعیت شعر خود را بسنجد، چون صرفاً آوردن واژه های تازه و دور از ذهن که هیچ ارتباطی به فضای شاعرانه او ندارد نمی تواند زیبا و با معنای ویژه ای باشد، بنابراین این شجاعت و جسارت باید به صورت مناسبی در هنر شاعر بگنجد.

نقش خیال پردازی در شعر؟

همیشه شاعران را انسانهای مالیخولیائی و خیالاتی تصور می کنند، این موضوع تا حدود زیادی درست است، چون هیچ شاعری بدون داشتن چنین ویژگی کامل نیست. صور خیال است که می تواند تصاویر شگفتی را بیافریند و به کمک بیان شاعرانه مخاطب را به دنبال خود بکشاند، اما همین عنصر خیال باید وسیله ای باشد برای آن چه منظور شاعر است و در اعماق خود حقیقتی را پنهان دارد، چه بسیار شعرهایی که با خیالات اغراق آمیز، زیبایی و هدف خود را گم می کنند و به جایی نمی رسند.

دیجیتال یا آنالوگ؟

محمود صادقی



– این روزها دروبین های دیجیتال، انقلابی در عکاس به وجود آورده و باعث رونق دوباره عکاسی شده است. تفاوت دوربین دیجیتال و دوربین آنالوگ در نزد عکاسان تا چه اندازه است و چرا برخی از عکاسان به دیجیتال روی خوش نشان نمی دهند؟

– با ورود فن آوری دیجیتال به دنیای عکاسی از همان ابتدا هنرمندان و منتقدان این رشته درباره ارزش عکس هایی که با این روش تهیه می شود، بحث های فراوانی داشته اند. برخی عکاسان حرفه ای تقریبا بلافاصله با این پدیده جدید (دوربین دیجیتال) کنار آمده و به کسب تجربه و خلق آثاری در این عرصه پرداختند. در مقابل گروهی از عکاسان با این پدیده سازش نکردند و کماکان روش سنتی که همان آنالوگ می باشد را ترجیح می دهند. این ها دلایل زیادی برای خود دارند که به ذکر دو، سه نکته اشاره می کنم. یکی از محدودیت های دست و پاگیر دوربین های دیجیتال، محدودیت در کیفیت و تفکیک پذیری تصاویر آن است. از عمده ترین اشکالات فنی دیگر دوربین های دیجیتال، این است که هنوز نتوانسته اند به ویژه در زمینه عکاسی سیاه و سفید که شاید بخش بزرگی از عکس های هنری را در برمی گیرد، کیفیت مطلوب هنرمندان حرفه ای این رشته را برآورده سازد. یک عکاس که با دوربین فیلمی کار می کند در هنگام عکسبرداری باید از شناخت و بینش عمیق تر و تسلط فنی کارآمدتری بهره مند و در یک کلام پشتوانه غنی تری در این هنر داشته باشد. در آخر موضوع نگهداری تصاویر است به رغم تنوع وسایل ذخیره دیجیتال مثل هارد دیسک کامپیوتر، سی دی یا دی وی دی، همچنان ذخیره و نگهداری اسلاید و نگاتیو و باز یافتن آن ها بسیار آسان تر و بهتر است. الان نگاتیوهایی که مربوط به ۱۸۰ سال پیش می باشد صحیح و سالم وجود دارند و در نگهداری آن زیاد به مشکل بر نمی خوریم.



ولی آیا می توان بازیابی سالم و آسان تصاویری را که امروز در ابزار ذخیره دیجیتال نگهداری می شوند، به مدت ۶۰ یا ۵۰ سال دیگر تضمین نمود؟ گرچه به نظر روی گرداندن از فناوری نوین در تمام زمینه ها (حتی هنر) کاری است غیرمنطقی، درست مثل این که با وجود ماشین حساب اصرار بر انجام محاسبه ریاضی با چرتکه داشته باشیم. آیا بهتر نیست به فکر این باشیم که چگونه می توان دوربین دیجیتال را به عنوان ابزاری مدرن که گریزی از آن نیست به خدمت عکاسی درآورد تا به ارزش های هنری این رشته آسیبی وارد نشود؟

داستان

کولیل و مولیل

ابوالقاسم محمدی باغملایی



کولیل خیلی سالهای دور مثل عبور سایه ی ابری ولگرد از روستا کوچ کرده بود، بدون سرو صدا، بی آنکه کسی ردش را پیدا کند. شاید پاییده بود که چشم برادرش از خواب سنگین بشه و او رفته باشد.

رفتنش را هیچکس ندیده بود. حتی چوپان ده که گله گوسفندان را در حاشیه تنها راه ورود و خروج روستا می چراند. پولو سگ خانه هم که تا نیمه های راه همراه کولیل رفته بود با اشاره چوبدستی کولیل برگشته بود و روی نرمه خاک حاشیه دیوار خانه، سر در گریبان دراز کشیده بود. خروس خوان که مولیل از خواب جسته بود خبری از کولیل نبود. او برخلاف حس برادریش که باید ناراحت می شد خم به ابرو نیاورده بود و رو به زن کرده و گفته بود: مثل این که از هفت بند روزگار آزاد شدیم.

کولیل در خیال آباد که چندین فرسنگ از روستا دور بود حالا برادر و زن برادرش را فراموش کرده بود، حتی قیافه شان هم در خاطرش محو شده بود. شاید این فراموشی ناخواسته، برخاسته از شعله های طمع و آز مولیل و زنش بود که کولیل را می سوزاند و مثل خوره درونش را می تراشید. او حالا در خیال آباد برای خود کسی شده بود. قد و قواره ای به خود گرفته بود. گذر روزگار هم قیافه مولیل را نامیزون کرده بود، طوری که اگر جایی با هم برخورد می کردند، نه کولیل، مولیل را می شناخت و نه مولیل، کولیل را.

مولیل روی سکوی پیش روی خانه، کنار گونی های گندم دراز کشیده بود و لبه کلاه حصیریش را سایه بان صورتش کرده بود و گوش به پر گویی های خواهر زنش که داشت نیش و زخم زبان زندگی اش را می زد می داد.

دختر این هم شد زندگی؟ تو اسم این رو گذاشتی زندگی؟ داخل این تپاله ها، بوی گند گوسفند، نفست پس نمیره؟ خفه نمی شی؟ نه که نمی شی، عادت کردی. حیفت برای خودت نمی آید، رحم این دسته گلها کن. حیف این بچه ها که بچه های تو اند.

اگه اینا بچه های من بودن روزی هفت بار حمومشون می دادم. تو شهر بچه های هم سن و سال اینها وضع و روزگاری دارن. با هزار ابزار سرگرمی سر و کار دارن. بی زبونا، اصلاً دختر، اینا تا به حال رنگ آیینه دیدن؟

اون وقت بهانه می آوردین و می گفتین کسی زمینامون رو نمی خره حالا که الحمدالله شرکت هم یورو میده، هم دلار، چرا نمی فروشین.

خواب و خستگی مولیل را غلبه کرده بود، می خواست چیزی بگوید ولی نگفت. خواب سنگینش کرده بود و خوابش برد. زن با دلمردگی دست راستش را زیر سرش گذاشته و به خواب رفته بود.

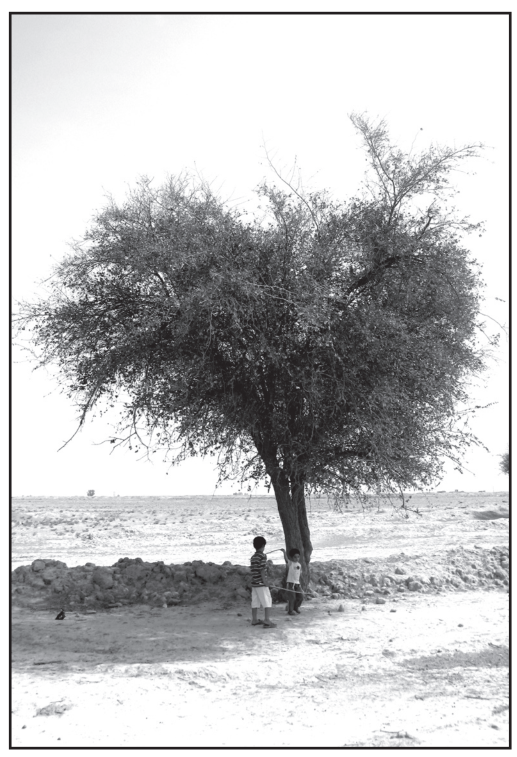
آفتاب تا وسط حیاط پهن شده بود. گاو و گوسفندها پوزه به در و دیوار می کشیدند، انگار صد سال به چرا نرفته بودند.

پولو سگشان، برخلاف همیشه که صبح زود جلو سفره شان منتظر ته سفره بود، حاشیه دیوار پرسه می زد.

زن با ترش رویی رو به مولیل کرد و گفت: «یه امروزی کپه مرگم زد و خوابم برد. خوب صاحب داری کردی.» مولیل گفت: «دل و دماغم نمیره. میگن چند فرسنگی خودمان زمین های حاصلخیزی داره اگر در خاکش سنگ بکاری، طلا می ده. خواهرت راست می گفت اینا را جمع و جور می کنیم بالاتر می فروشیم، پایین تر می خریم. آنجا هم داره شهر می شه. پامون آنجا برسه نونمون ترید و روغنه.»

زن که حرف های مولیل را می شنید ناباورانه به شک افتاده بود خیال می کرد مولیل مسخره می کند.

مرد شهری که قیافه ای بلند بالا داشت و از زور خوردن، نفس پس می کشید رو به مولیل کرد و گفت: با دو واحد چه طوری؟ معامله سر میگره، یا برم با همسایه تون معامله کنم؟ اگر راضی هستی تا عصر داخل شورا قولنامه کنیم.



مولیل سرش را خاراند و رو به مرد شهری کرد و گفت: از اینجا تا خیال آباد چه قدر راه است؟

مرد شهری گفت: به فاصله طلوع آفتاب تا غروب.

زن گاری آورد و مولیل بسته ها را روی گاری صف می داد.

صبح هنوز خورشید تو آسمون پیدا بود که به چند متری خیال آباد رسیدند. خیال آباد روی تپه ای بلند جا خوش کرده بود و زمین و زمان زیر پای آدمهایش موج می زد. روی تپه جماعتی پدیدار بود. از تپه ناگهان یکی سرازیر شد و شیب تپه را به سرعت طی کرد و به مولیل که رسید به او خوشامد گفت و از او شناسایی گرفت و شرایط را به او گفت. مولیل که دهانش بازمانده بود شرایط را قبول کرد. به بالای تپه که رسیدند. مرد خشک و ترکه ای با قامتی استوار و گامهای بلند به سوی مولیل آمد. مرد که به پیش روی مولیل رسید حس آشنایی سر تا پایش را فراگرفت. مولیل می خواست مرد ترکه ای را در بغل بگیرد، که مرد ترکه ای با اشاره دست چادر سفید را نشانه گرفت.

مولیل خواست بارو بنه اش را از روی گاری به داخل چادر ببرد که راهنما مانع شد و گفت: دلواپس نباش اگر بار طلا هم اینجا بگذاری کسی چشم به آن ندارد و مولیل را داخل چادر برد.مرد ترکه ای به در چادر آمد و راهنما رو به مولیل کرد و گفت: اینجا برای زندگی کردن، نه زنده ماندن، جای بسیار مناسبی است. باید خود را با شرایط و آداب و رسوم این سرزمین همراه کنی وگرنه...

مولیل چهار چشمی به صورت راهنما و مرد ترکه ای چشم دوخته بود و راهنما ادامه داد، امشب داخل چادر استراحت می کنی و صبح قبل از طلوع آفتاب پای تپه حاضر می شوی. مرد ترکه ای حرکت کرد و مرد راهنما به دنبالش راه افتاد . مولیل که خسته راه بود داخل چادر تن بخواب داد. دم دمای صبح بود که از خواب پرید. از چادر که بیرون آمد پای تپه زمزمه ای به گوشش خورد. جماعتی جمع شده بودند، مرد ترکه ای روبرویشان ایستاده بود و کلنگی سر به زمین، جلویش بود.

راهنما، مولیل را به سوی جماعت برد. مرد ترکه ای گفت: کلنگ را بر می داری از جنوب تا شمال از شرق تا غرب این زمین هر چه می خواهی نشانه بگذار بدون بها و قیمت. ولی به یک شرط قبل از غروب آفتاب باید اینجا، پای تپه باشی و گرنه باید بارو بنه ات را برداری و برگردی.

مولیل پای تپه دستش را سایبان چشمانش کرد و زمین پیش روی تپه را ورانداز کرد. کفشهایش را از پا درآورد، پاچه شلوارش را بالا کشید، شال کمرش را سفت کرد و کلنگ را از سینه زمین جدا کرد و در دستانش گرفت و به سمت پیش رویش راه افتاد. چند صد متری که رفت پشت سرش و پیش رویش را نگاه کرد و به خود گفت نه باید بیش از این اختیار کنم و دوید.

جماعت پای تپه در نگاه مولیل کوچک و کوچکتر شده بود. به خود گفت حالا خیلی خوب شد، علامتی گذاشت و با کلنگ گودالی زد و درشت سنگی در گودال نشاند و پای آن را خاک ریخت و با پا محکم کوبید و به سمت دیگر راه افتاد. هر چه قدر که دلش خواست راه رفت تا راضی شد که نشان دیگری بگذارد. دوباره نیش کلنگ را حواله زمین کرد و گودالی زد و درشت سنگر دیگر و به سوی دیگر راه افتاد و این بار نه راه می رفت بلکه می دوید برابر تپه و جماعت که رسید گودال دیگری زد و درشت سنگ دیگر در گودال نشاند و به سوی تپه راه افتاد.

گرمی آفتاب به سردی می رفت و سایه تپه از روی جماعت گذشته بود و پهنای زمین را پوشانده بود هر چه مولیل بیشتر تلاش می کرد و به طرف تپه کشانده می شد سایه تپه تیزتر می دوید طوری که نیمه بیشتر خورشید به پشت تپه یله شده بود. مولیل نشانه ها را وراندازمی کرد و می دوید، طوری که حس کرد کف پاهایش مورمور می کند و خون مردگی سرانگشتانش اذیتش می کرد ولی وسعت زمین و سنگ نشانه ها به او دلگرمی می دادند. او با تمام توان، تن خسته و کوفته اش را بطرف تپه می دواند.

خورشید پشت تپه پنهان شده بود که مولیل به چند صد متری تپه رسید. ته مانده های رمقش را هم در ساق پاهایش جمع کرد. عرق خستگی بدنش را خیس کرده بود و نفسش سنگین شده بود کلنگ را به گوشه ای پرت کرد. تن پوشش را در حالت دویدن بیرون آورد و به گوشه ای انداخت.

دیگر رمق و نای دویدن نداشت، گامهایش سست شده بود. ابتدای تپه که رسید جماعت روی تپه ایستاده بودند. مرد ترکه ای راهنما را به پایین تپه فرستاد.

مولیل به چند متری وعده گاه رسید، سر به عقب گرداند و نگاهش به بالای تپه، خورشید را ندید. دلواپس شد، فکر کرد خستگی و کوفتگی باعث شده است که چشمش به خطا رود با گوشه شال کمرش، صورت و گودال چشمش را که خیس عرق بود خشک کرد. دوباره به بالای تپه نگاه کرد، دید خورشید نیست.

راهنما به چند صد متریش رسیده بود. مولیل در خود فرو رفت. سرش سنگین شده بود. زمین و زمان دور سرش می چرخید و فریادی درون مغزش می پلکید. کلنگ، گودال، نشانه، چه زمین مرغوبی حالا که مفت و مجانی است بیشتر تصرف کن.

در پای تپه همان جایی که صبح کلنگ را از دل زمین کنده بود، کنده زد و سر به خاک گذاشت. راهنما با سند امضا شده از طرف مرد ترکه ای سر رسید، راهنما دستی به شانه های مولیل زد. مولیل سرد شده بود و دهانش کف کرده بود. یک چشمش هنوز به اولین نشانه باز مانده بود که جماعت با آهنگی اسرار آمیز سرودی سر دادند.

رفتم به سر تربت محمود غنی
گفتم که چه برده ای زین دنیای دنی
گفتا که دو متر زمین و چهار گز چلوار
تو نیز همی بری گر صد چو منی

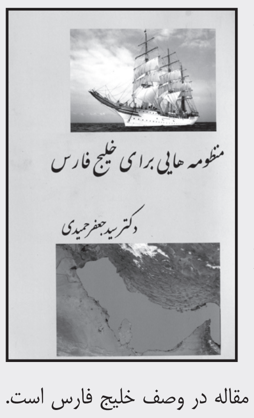
دو کتاب تازه از استاد دکتر سید جعفر حمیدی

عاشقانه های هفتاد



عاشقانه های هفتاد نام کتاب تازه دکتر سید جعفر حمیدی است که شامل رباعی هایی است که توسط وی سروده شده اند. این رباعی ها ششمن مجموعه شعر و چهارمین مجموعه رباعی های استاد حمیدی است . دیگر مجموعه رباعی های چاپ شده استاد عبارتند از: از خون کبوتران ۱۳۵۸ – از سایه تا نشان ۱۳۶۰ – صد رباعی، صد دوبیتی ، صد غزل ۱۳۸۱. دکتر حمیدی سالها پیش در شصت سالگی «شصت شعر» را سرود و اکنون نام این رباعی ها را گذاشته است «عاشقانه های هفتاد» که در ۱۳۸۵ در آستانه هفتاد سالگی سروده است و اینک اقدام به چاپ کرده است. عاشقانه های هفتاد توسط انتشارات لیان در تهران به چاپ رسیده است.

منظومه هایی برای خلیج فارس



نام کتاب دیگر دکتر سید جعفر حمیدی که به تازگی چاپ شده است «منظومه هایی برای خلیج فارس» است که بیست و هشتمین کتاب چاپ شده استاد حمیدی است. اولین کتاب استاد مجموعه شعر «وصلت در سده تظلم» است که در سال ۱۳۴۸ به چاپ رسیده است. کتاب منظومه هایی برای خلیج فارس شامل ۱۱ شعر و ۳ مقاله در وصف خلیج فارس است. همچنین دو شعر از استاد حمیدی درباره سیراف و یک شعر در وصف بوشهر نیز در پایان این کتاب آورده شده است. منظومه هایی برای خلیج فارس توسط انتشارات لیان در تهران به چاپ رسیده است.

داستان نویسنده بوشهری، برگزیده مسابقه دوران طلایی صنعت نفت

عابدین عابدی زاده : افتخار آشنایی با مهندس رضوی به سه سال پیش بر می گردد که هر دو مشغول بکار در یک شرکت ایتالیایی در جنوب کشور بودیم.

سید حسن اصالتاً اهل جزیره خارگ (جزیره مرواریدها)، بزرگترین مرکز صادرات نفت ایران می باشد که علاوه بر کار در محیط سخت و خشن و بدون انعطاف پروژه های نفتی، در فعالیت های جنبی و هنری از جمله وبلاگ نویسی، داستان نویسی و روزنامه نگاری حضوری فعال دارد.

در تالار بزرگ وزارت کشور، مراسم تجلیل از ایثارگران دفاع مقدس صنعت نفت با حضور چهره های سرشناس عرصه نفت از جمله مهندس نوذری وزیر نفت سابق و وزیر نفت دولت دهم مهندس میرکاظمی و بیژن نوباوه خون نگار هشت سال جنگ و نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و مهندس ضیغمی رییس منطقه نفتی خارگ در طول هشت سال دفاع مقدس با مجری گری نظام اسلامی برگزار گردید که در ادامه این مراسم، داستان کوتاه "جزیره جنگ" این نویسنده بوشهری بعنوان برگزیده مسابقه دوران طلایی صنعت نفت از طرف ستاد جمع آوری و حفظ آثار دفاع مقدس صنعت نفت انتخاب گردید.

لازم بذکر است که داستان کوتاه "جزیره جنگ" تا کنون توانسته نفر اول جشنواره "قلم سبز" دانشگاه تهران و همچنین نفر برگزیده جشنواره داستانهای کوتاه دفاع مقدس با عنوان "جشنواره ادبی یوسف" را کسب کند

منبع : http://abedinabedizadeh.blogfa.com

هله هله مالی در کنار خلیج فارس

همزمان با روز جهانی دریانوردی مراسم باشکوهی از طرف اداره بنادر و کشیرانی استان بوشهر در کنار ساحل خلیج فارس اجرا شد.

اجرای موسیقی بوشهر حس و حال خاصی به این مراسم داد ، صدای غلامرضا وزّان در کنار نوازندگان گروهش و اجرای قطعات ناب بومی و دریایی از موسیقی بوشهر بعد از مدتها در کنار ساحل بوشهر، شورانگیز و زیبا بود .

در این اجرا با تاکید بر موسیقی دریا ، ترانه هایی قدیمی و خاطره انگیز از موسیقی بوشهر که فضای دریا یی، بهاری و عاشقانه داشت اجرا شد و در ادامه اجرای قطعه خیام با همراهی مردم ، شرکت کنندگان در این مراسم را به تحسین این گروه واداشت و باعث شد تا پاسی از شب در این مراسم حضور داشته باشند.

در این اجرا نوذر سعادت پور نوازنده نی انبان، محسن نوشزاد نوازنده ضرب و تمپو، حمید اکبری نوازنده تمپو، آرش نادی نوازنده دمّام و حسین مقاتلی مطلق نوازنده پی په، وزّان را همراهی می کردند

شایان ذکر است در اقدامی ارزنده از طرف روابط عمومی ادره بندر از استاد صغیری از هنرمندان پیشکسوت استان و دکتر مشایخ از نویسندگان استان و بسیاری از زحمت کشان در عرصه دریا و دریا نوردی تقدیر بعمل آمد.

چشمه های آبگرم حوزه هنری بوشهر در جشنواره رشد

به گزارش روابط عمومی:فیلم مستند" چشمه های آبگرم بوشهر" تولید حوزه هنری استان بوشهر به کارگردانی عبدالرسول آذرشب به بخش مسابقه سی و نهمین جشنواره بین المللی فیلم رشد راه یافت.این فیلم علاوه بر معرفی چشمه های آبگرم استان نگاهی دارد به پدیده چشمه های آبگرم و چگونگی مصارف آن. این فیلم پس از راهیابی به بخش مسابقه،بصورت زیر نویس انگلیسی، مجددا به دبیرخانه جشنواره ارسال شد. در سی و نهمین جشنواره بین المللی فیلم رشد از بین ۱۲۰۰ فیلم رسیده به دبیرخانه جشنواره،۳۵۰ فیلم از کشورهای فرانسه، ایتالیا، انگلیس، ژاپن، هند، آلمان، سوئد، کانادا و نروژ میباشد. این جشنواره از ۸ آبانماه بمدت یک هفته در تهران برگزار خواهد شد.

مصاحبه با دکتر سید علی طبیب، پزشک قدیمی و دلسوز بوشهری (۲):

خوشحالم که مردم ما را قابل می دانستند

مصاحبه از نسیم فقیه

– از بیماری هایی که شما به شدت به مبارزه با آن در بوشهر پرداختید جزام بود. لطفا در این باره هم توضیح دهید.

– جزام از بیماری های عمومی بوشهر بود که ریشه کن شد. ما در اداره بهداشت بوشهر و در مطبم بیمار جزامی را می فرستادم به بهداری قسمت بهداشتش و درمان های سر پایی بود. خودم هم بیماریابی می کردم و می رفتم دنبال بیماری و این کار هم ساده ای نبود. در مورد بیماریهای شدید جزامی ما باید آن ها را به اردبیل می فرستادیم و پیدا کردن این ها کار آسانی نبود، من خودم به جزیره شیف می رفتم بازرسی به دیدن مریض های دیگر، آن جا بیمارها را پیدا می کردم و درمان سرپایی در خود بوشهر توسط بهداشت انجام می گرفت. ولی چیزی که برای ما مشکل ایجاد می کرد این بود که آن ها به راحتی نمی آمدند. فراموش نمی کنم یک بار به ما گزارش داده شد که در روستایی یک بیمار جزامی است، من خودم با آمبولانس اداره بهداری به رانندگی حاج عبدالرضا حکیم رفتیم جزامی را پیدا کردیم. طبق گزارشی که به من در کمیسیون بهداشت داده بودند باید تکلیفش را یک سره میکردیم که یا درمان سرپایی شود یا بفرستیم به جزام خانه اردبیل. با نرمش با او صحبت کردیم و او هم با ما آمد، آقای عبدالرضای حکیم راننده آمبولانس بود و من هم بغل دست او نشسته بودم و جزامی هم پشت سرمان نشسته بود. وارد شهر که شدیم متوجه شد که او را به شهر می بریم، یک مرتبه ترسید که ما می خواهیم او را بفرستیم جزام خانه و ما هم که وظیفه داشتیم و باید با بیماری ها مبارزه می کردیم و ریشه کنی می کردیم، وقتی متوجه شد که توی شهر است دستش را حلقه کرد دور گردن راننده که حاج عبدالرضا حکیم بود که من را پیاده کن. آقای حکیم گفت چه کار کنم؟ گفتم باشه. ما مجبور شدیم پیاده شویم و او هم پیاده شد و رفت و نمی دانم سرنوشتش چه شد و ما هم با اشکالات این چنینی مواجه بودیم و به این راحتی نبود که برویم و بیماریابی کنیم و برگردیم و مشکل کاملا حل شود و آن ها ما را به راحتی قبول نمی کردند.

– در مورد بیماریابی آبله چه می کردید؟

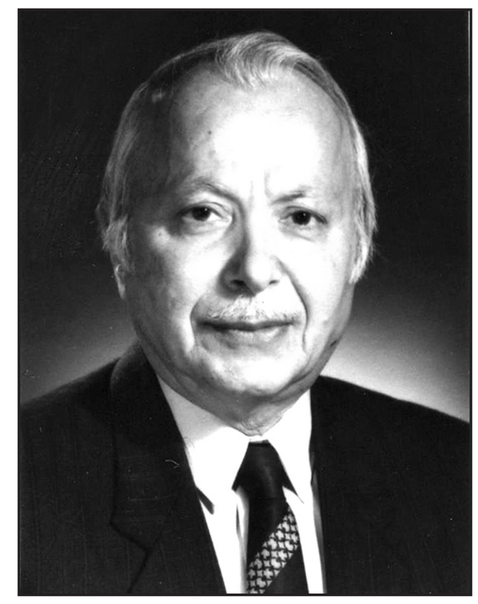
– در مورد بیماریابی برای یک مورد آبله در بوشهر، یک دختر از خانواده محترم دختر هفت هشت ماهه بود که مشخص شد که همسایه که از دهات آمده بودند آبله داشته و او هم گرفته بود، ما رفتیم به دلوار با این که خانواده بسیار محترمی بودند ما آن ها را قرنطینه کردیم تمام خانواده ها را که با این خانواده آمد و شد نکنند.

– همانجا بود که از آب نبات برای سوزن زدن استفاده کردید؟

– بله، من خودم شخصا یک مقدار آب نبات گرفتم رفتم دلوار و برای این که بچه ها از ما نترسند به آن ها آب نبات دادیم و گفتیم که هر کس که سوزن بزند به او آب نبات می دهم. این را که گفتم همه آمدند و بچه آبله ای هم پیدا کردیم و آوردیم بوشهر با نرمش که فرار نکند، آن هم درمان شد و بچه دومی هم از خود شهر بود که درمان شد و گفتند از خانواده طراز اول بوشهر است.

– در آن سالها مثل اینکه دونه انجیر هم رایج بوده؟

– بله، انجیر دونه بیماری بومی رایج بود، که چون در تابستان هوا گرم و مرطوب بود یک پارچه بدن ها دونه انجیر می زد. البته این فقط با هوای خنگ و نظافت و مراعات بهداشت قابل



درمان و پیشگیری بود و در این مواقع ما اکسید دو زنگ می دادیم و خوب می شد و الان هم در هوای گرم بوشهر هست و انجیر دونه عفونت می کرد و این یکی از بیماری های بومی بود که در فصل تابستان بسیار رایج بود.

– چگونه با بیماری سل در بوشهر مبارزه می کردید؟

– آن وقت ما برای مبارزه با بیماری سل دواهای PAS می دادیم و آنرا به طور سرپایی درمان می کردیم. ایزونیازید می دادیم به آن ها و آن ها خوب می شدند، بعدها که دستگاه رادیوگرافی آمد که جزیره شیف مرکز نمایشگاه داروها شده بود، داروها یی مانند آمپول سرتومایسیون و داروها ایزونیازید می دادیم. من که بازنشسته شدم و دیگر مطب نیستیم افرادی که می رفتند آن جا و خدمات را انجام می دادند باید تقدیر شوند همان پزشکیار و بهدار (پزشک دوم) این ها همه خدمت کردند.

– با توجه به فقر شدید مردم در آن زمان، هزینه های درمانی چگونه بود؟

– آن موقع بیمه خدمات درمانی بود که الان هم خدا حفظش کند، بیمه فرهنگیان بود، این ها بیمه آموزش و پرورش می کردند و من خودم تأیید می کردم و تمام موارد دواهایشان از طریق بیمه بود. و بیمه خدمات درمانی ارتش در آن زمان بود و من طبیب خدمات بیمه درمان و هم ارتش بودم و بیمه مربوط به اداره کار هم بود که در مطبم قبول می کردم. آن هایی هم که نداشتند و در فقر مطلق بودند، اداره بهداری به آن ها کمک می کرد و از اول مریضی، برای بیماران مجانی بود تا این که به سلامت از بهداری خارج می شدند و یا اگر خدای ناخواسته می مردند تا به گورستان هم خدمات مجانی بود و همه به خرج دولت بود. و ما حق را باید بگوییم که بهداری آن موقع خدمات زیادی را انجام می داد و همه به عهده دولت بود.

– در آن زمان عامل اصلی مرگ و میر در بوشهر چه بود؟

– مالاریا که ریشه شکن شد و جزام هم کشنده نبود و بیماری های عفونی با کمال تأسف بیماری های عروقی مثل سکته مغزی، سکته قلبی که الان در جوان ها مد شده، آن موقع در دهات بود، البته در میان افراد سالمند نه در بین جوانان. در بین جوان ها آن موقع نبود ولی الان متأسفانه بین جوان ها مد شده به علت فشارهای روحی و استرسی که در بین جوانان وجود دارد. بیماری سرخک اپیدمی بود در یک منطقه تمام بچه های سرخکی را ازبین می برد حتی در خود بوشهر نیز اپیدمی شد. بچه های زیادی را اپیدیمی سرخک از بین برد که من خودم ۱۰ عیادت بیماری سرخک رفتم و بیماری سرخک هم یک بیماری ویروسی است، ما سعی می کردیم از عوارض پیشگیری کنیم و جلوگیری از سرخک، مننژیت سرخکی و تمام اطباء این کار را می کردند. و بیشتر بیماری ها اپیدمی بود. اکنون به علت استرس و فشارهای روحی جوان ها دچار سکته می شوند و از بین می روند.

– شما چگونه از درمان های جدید و روش های علمی پزشکی جدید آگاه می شدید؟

– ما در بوشهر مرکز پزشکی نداشتیم و دانشکده پزشکی برقرار نبود. فقط همان کنفرانس هایی بود که افراد می آمدند و صحبت می کردند. بازآموزی که از طرف اداره بهداری انجام می شد، اطبا بازآموزی می شدند، قبل از انقلاب هر ۵ سال بازآموزی می شدیم. بعد از انقلاب یک مقدار وضع منسجم تر شد. روی هم رفته به علت این که مرکز پزشکی و دانشکده نداشتیم، کنفرانس هایی از تهران می فرستادند. کتاب هم نداشتیم. اما افرادی بودند که از شیوه جدید کتاب های و مجلات خارجی استفاده می کردند. من رحمت می فرستم به روح پزشکی که در خانواده همه بوشهری ها هم مشهور است به نام دکتر عادلی که تمام کتاب های جاما را آبونه بود و با تمام این کتاب ها آشنا بود و من هم استفاده می کردم از این کتاب ها که توسط همین دکتر عادلی که یک دکتر کرمانی و زردتشی بود، تهیه می شد و تمام بوشهری ها به او علاقه داشتند. پزشک فهیمی بود و در دانشکده پزشکی هم طراز من بود و فقط و فقط مطالعه می کرد و مرد بسیار شریفی بود. و بعدها خودم نیز کتاب جاما را مشترک شدم.

خلاصه آموزش کم بود و کارهای مطب برای خودم هم سنگین بود که کار را فشرده می کرد و وسیله هم نبود، ولی بعدا بازآموزی بسیار آموزنده ای شد برای اطبا حالا هر ۵ سال بایستی ۱۵۰ امتیاز بیاورند که تجدید پروانه مطب شود. چه برای متخصص و چه پزشک عمومی و برای پزشک فوق تخصص هم حالا گذاشتند. ولی آن وقت ها نبود. از لحاظ آموزشی مشکل داشتیم و تمام کسانی که به ما بازآموزی می دادند ایرانی بودند که از تهران به بوشهر اعزام می شدند.

– در زمان های گذشته مردم به آقای دکتر سیدعلی طبیب علاوه بر حاذق بودن ایشان در امر طبابت اعتقاد معنوی خاصی هم داشتند و به قولی می گفتند دست دکتر سید شفاست. چرا اینگونه بود؟

– از نظر نسبت ساداتی بود که مردم به خانواده ما علاقه داشتند. عموی من شال مشکی داشتند پدر و عموی من در مدرسه سعادت تحصیل کردند و عکس های آن ها در عکس های دسته جمعی مدرسه سعادت می باشد. در مدرسه ملی سعادت هم شال مشکی داشتند. پدر بزرگ من با عمامه مشکی طبابت می کرد و مردم روی نیت پاک خودشان به آنها مراجعه می کردند و آنها احترام و اعتقادی که داشتند روی اصول سیادت بود. خوشحالم که قابل بودیم و مردم ما را قابل می دانستند.

آنفولانزای خوکی در مصاحبه با دکتر خواجه ئیان معاون بهداشت استان بوشهر(۳):

اقدامات پیشگیرانه در برابر آنفولانزای خوکی با باز گشائی مدارس



–جدی ترین نکته ای که همه مردم باید درباره آنفولانزای خوکی به آن توجه کنند چیست؟

– بدلیل قدرت بالای بیماریزائی ویروس(بین ۱۵درصد–۳۵درصد) و اعلام فاز ۶ بیماری یعنی احتمال انتقال گسترده و فزاینده انسان به انسان ونیز عدم وجود واکسن موثر برای پیشگیری ازبیماری ،همه بایستی نکات بهداشت فردی ومحیط راجدی گرفته و به آن عمل کنند وبه این ترتیب سیستم های سلامت را در کنترل بیماری یاری دهند. مضافا اینکه با شروع فصل سرما وباز گشائی مدارس، کلیه این اقدامات پیشگیرانه بایستی هم از طرف مسئولین آموزش وپرورش، مدیران و معلمین وهم از طرف دانش آموزان و اولیاء ایشان جنبه جدی تری بگیرد.

– نقش ماسک در کنترل این بیماری چقدر است؟

– در مورد موثر بودن استفاده از ماسک برای پیشگیری از ابتلا و جلوگیری از شیوع این بیماری درحال حاضر شواهد علمی کافی وجود ندارد واستفاده از ماسک تنها درسیستم های مراقبت بهداشتی ودر شرایطی که امکان اجتناب از تماس نزدیک با فرد بیماروجود ندارد توصیه شده است. ماسکهای معمولی از پرتاب قطرات درشت تنفسی(بزرگتراز ۵میکرون) تا حدودی جلوگیری میکند آنهم درشرایطی که بصورت یکبارمصرف استفاده شود. ماسکهای مخصوص(N۹۵) انتشار قطرات ریزتر تنفسی (کوچکتراز۵ میکرون) رانیزکم میکندو موثر تر است البته همانطوریکه اشاره کردم در حالت عادی نیازی به استفاده از این گونه ماسکها وجود ندارد.

– آیا ترس واضطراب از این بیماری میتواند درتشدید علائم نقش داشته باشد؟

– تحقیقات نشان داده که ترس واضطراب زیاد میتواند باعث ضعف سیستم ایمنی گردد واین امربخصوص در افرادیکه دارای بیماری زمینه ای خاصی هستند بارزتراست.

– چه توصیه ای به افراد خانواده واجتماع دارید؟

– همانگونه که مفصلا اشاره شد بکاربستن توصیه های بهداشتی وسلامت درحال حاضر تنها راه کنترل آنفلولانزای جدید وکاهش مواردآن بویژه موارد شدید است. بدیهی است هرچه سطح اطلاعات وآگاهی مردم ازراههای انتقال وپیشگیری بیماری بالاتر باشد گسترش آن کمتر خواهد بود. لذا از عموم مردم انتظار داریم که ضمن اجتناب از ترس مفرط و بی مورد از این بیماری تلاش کنند اطلاعات خود، خانواده وسایرین را از راههای انتقال و پیشگیری از بیماری و اصول بهداشت فردی افزایش دهند. همکاری کلیه مسئولین استان ،ادارات و ارگانهای مرتبط و بویژه رسانه های عمومی در این راه ضروری است و قطعا دامنه مشکلات را کمتر می کند.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر:

باید تدابیر ویژه‌ای برای پیشگیری از آنفولانزای خوکی اندیشیده شود

– بهترین راه مقابله با آنفولانزای خوکی چیست؟



– یکی از بهترین راه‌های مقابله و پیشگیری از بیماری آنفلوانزای خوکی رعایت بهداشت فردی است. رعایت بهداشت فردی، شستن دست و صورت با صابون، خواب و استراحت کافی، استفاده از ماسک مناسب در مواقع ضروری و... از موارد مهم در پیشگیری از آنفلوانزای خوکی است. ضمن اینکه آموزش صحیح به صورت عمومی و تخصصی در ارتباط با راه‌های پیشگیری از ابتلا و درمان این بیماری در کنترل آن بسیار تاثیرگذار است و دستگاه‌های متولی باید در این زمینه با جدیت بیشتر و برنامه‌ریزی بهتر عمل کنند. شهرداری و شورای شهر باید زمینه لازم برای رعایت بهداشت عمومی در سطح شهرها را فراهم کنند.

– انتقال این بیماری در کودکان چگونه است؟

– در اطفال این بیماری تا۱۰ روز قابل انتقال به دیگران است.

– مرزی بودن استان بوشهر در پذیرش این بیماری چقدر تاثیر دارد؟

– همانگونه که می دانید استان بوشهر یک استان مرزی است و این بیماری از مبادی مرزها بیشتر وارد می‌شود و بنابراین باید تدابیر ویژه‌ای در این مورد اندیشیده شود.

– آیا حساسیت کافی در این زمینه وجود دارد؟

– ضمن اینکه باید خردمندانه و با حساسیت لازم به این پدیده روز توجه کرده و در این زمینه اقدام کنیم و در عین حال نباید به گونه‌ای برخورد کنیم که با ایجاد ترس و حساسیت بیش از اندازه در مردم به سلامت کشور صدمه بزنیم.

دکتر علیرضا توکلی جراح و متخصص ارتوپدی و شکستگی ها در بوشهر:

آگاهی مردم از روش های پیشگیری، سلامت آنان را تضمین می کند

مصاحبه از بهاره عالی پور

دکتر علیرضا توکلی متولد سال ۱۳۵۵ در تهران می باشد. دوره پزشکی عمومی و تخصصی اش را در شیراز گذرانده است. در سال ۸۰ فارغ التحصیل ممتاز دانشگاه علوم پزشکی شیراز و در سال ۸۶ به عنوان رتبه اول دانشگاه شناخته شده است. انتخاب رشته ارتوپدی توسط او به علاقه ای که از دوران دبیرستان به این رشته داشته برمی گردد. از ۲۵ نفری که در دبیرستان نمونه دولتی مشغول تدریس بودند،۲۰ نفر وارد این حرفه شدند که یکی از آنها دکتر علیرضا توکلی بود.

دکتر علیرضا توکلی ۲ سالی می شود که مشغول کار در بوشهر می باشد و به حس انجام وظیفه ای که دارد به مردم بوشهر خدمت می کند.

در زیر مصاحبه "نسیم جنوب" را با دکتر علیرضا توکلی، کسی که به عنوان جراح و متخصص ارتوپدی و شکستگی ها در بوشهر فعالیت می کند می خوانید:

– آقای دکتر، رشته ارتوپدی در مقایسه با دیگر رشته ها در چه سطحی قرار دارد و آیا از فعالیت خود در این رشته راضی هستید؟

– به عنوان یک پزشک ارتوپدی از کارم راضی هستم چون احساس می کنم، بیماران نتایج درمان خود را زودتر می بینند و این رشته نسبت به بیماری های مزمنی که نیاز به درمان تدریجی دارد در وضعیت بهتری قرار دارد. بیماران ارتوپدی (درمان مفاصل و شکستگی ها) در بعضی از زمینه ها خیلی زود بهبودی پیدا می کنند و از طرفی بیمارانی که اتفاق و یا حادثه ای برایشان رخ داده با یک درمان خوب ارتوپدی، خیلی زود به احساس مطلوبی دست پیدا می کنند به همین دلیل در مقایسه با بیماری های دیگر در موقعیت بهتری قرار دارد چون بیماران خیلی زود نتیجه بهبودی خود را می بینند.

– ارتوپدی شامل چه بخش هایی ست و علل و دلیل بروز آن چیست؟

– ارتوپدی شامل دو بخش عمده است دارد که می توان به آن اشاره کرد. بخش اول ساییدگی و آسیب دیدگی مفاصل است که در جامعه ما به علت عادت غلط نشستن و عدم ورزش به طور روزمره شایع تر است.

– بروز این بیماری در بین چه افرادی و با چه گروه سنی شدت بیشتری پیدا می کند؟

– بطور طبیعی افرادی که به سن ۴۰–۴۵ سالگی می رسند به درجات ساییدگی مفاصل، زانو، کمر و سایر مفاصل نزدیکتر می شوند.

– راه های جلوگیری از بروز ساییدگی و آسیب دیدگی مفاصل در بین این افراد چیست؟

– بهترین راه جلوگیری از ایجاد این عوارض از طریق کاهش وزن و اصلاح روش نشستن و انجام کارهای روزمره می باشد و در مراحل بعدی احتیاج به دارو و درمان های فیزیوتراپی و ورزش های درمانی دارد و متأسفانه در بسیاری از مواقع به عمل های جراحی تعویض مفاصل کشیده می شود.

– در چنین حالتی، عمل های جراحی تعویض مفاصل در بوشهر انجام می شود و یا بیماران به شهرهای دیگر منتقل می شوند؟

– تا ۲ سال پیش به دلیل عدم وجود امکانات و تجهیزات لازم هیچ گونه جراحی تعویض کامل مفاصل به صورت عمومی در بوشهر انجام نمی شد و در گذشته مردم به شهرهای دیگر مراجعه می کردند اما در حال حاضر با حمایت خوب مسئولین دانشگاه علوم پزشکی و بیمارستان فاطمه زهرا خوشبختانه این جراحی که مورد نیاز بسیاری از بیماران مبتلا به ساییدگی شدید مفاصل یالگن می باشد در بوشهر قابل انجام است.

– بخش اول ارتوپدی به ساییدگی و آسیب دیدگی مفاصل مرتبط بود، بخش دوم بروز آن چیست و دلایل بروز و جلوگیری از آن چه می تواند باشد؟

– بخش دوم آسیب های ناشی از حوادث است که شامل شکستگی های مختلف و آسیب های مفاصلی به خصوص زانو، مانند پارگی رباط های زانو و مینیسک می باشد که اغلب به اورژانس مراجعه می کنند و تحت عمل های جراحی قرار می گیرند (روش جراحی پارگی رباط های زانو و مینیسک زانو با استفاده از دستگاه آرتروسکوپ (مفصل بین) انجام می شود) که اخیراً در بوشهر با استفاده از این تجهیزات انجام می شود بطوریکه در یکسال گذشته بیش از ۳۰ بیمار با آسیب های ورزشی، تحت درمان با استفاده از این تکنولوژی و ترمیم رباط صلیبی زانو قرار گرفتند.

– همانطور که گفتید یکی از راه های جلوگیری ازبروز ساییدگی و آسیب دیدگی مفاصل، روش صحیح نشستن است. لطفا توضیح مختصری در مورد صحیح نشستن افراد بیان کنید.

– از خم کردن طولانی مدت زانو جلوگیری شود و همچنین مفاصل دیگر نظیر مچ و لگن در فشار زیاد و خم شدن طولانی قرار نگیرند به خصوص برای قشر کارمند که باید در نظر داشته باشد که صندلی شان ارتفاع مناسبی داشته باشد بطوری که پاها به صورت راحت روی زمین قرار گیرد و زانو زاویه ۹۰ درجه داشته باشد، همچنین ارتفاع میز کار به اندازه ای باشد که با خم کردن آرنج به اندازه ۹۰ درجه دست روی میز قرار گیرد.

– بیماران شما بیشتر از چه گروه سنی هستند؟

– بیماران ما بیشتر از دو گروه سنی هستند: افراد جوان که در حوادث ورزشی یا تصادفات دچار آسیب دیدگی شده اند و یا افراد مسن تر که با بیماری هایی نظیر ساییدگی مفاصل و یا پوکی استخوان مواجه اند.

– اگر در خصوص پوکی استخوان هم توضیح یا توصیه ای وجود دارد برای شهروندان به خصوص بانوان بفرمائید.

– بیماری پوکی استخوان به بیماری مرگ خاموش معروف است که در نتیجه کاهش ذخیره کلسیم در استخوان در سنین بالای ۵۰ سال به خصوص در خانم ها ایجاد می شود.

– بیماری مرگ خاموش چه علائمی دارد؟

– علائم اولیه آن شامل کمر درد و دردهای استخوانی و در موارد شدیدتر منجر به شکستگی های لگن، مچ دست و سایر مناطق می شود که استفاده از رژیم غذایی مناسب، فعالیت مناسب ورزشی و پیاده روی و تشخیص زودرس و استفاده از درمان های مکمل، بهترین روش برای پیشگیری از عوارض این بیماری می باشد که بطور طبیعی برای هر انسانی پیش می آید و همه ما باید خودمان را برای مقابله با آن آماده کنیم.

– آگاهی بیماران و مردم نسبت به بیماری های پیرامونشان چقدر به سلامت فردی شان کمک می کند؟

– با توجه به اطلاعاتی که در رسانه های عمومی به مردم داده می شود، دید مردم نسبت به بیماری های گوناگون و به خصوص شکستگی ها بالاتر رفته و هر روز عده ای از افراد میان سال برای آگاهی از وضعیت پوکی استخوان مراجعه می کنند.

– آیا پزشکان در بوشهر از تخصص های لازم برای درمان بیماران برخوردارند؟

– آمار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نشان می دهد در چند سال اخیر بهترین فارغ التحصیلان دانشگاه های کشور جذب کار در استان بوشهر شده اند به این دلیل که بسیاری از آنها ساکن شهرهای نزدیک هستند ارتباط خوبی با سایر شهرها دارند و خود بوشهر هم از نظر امکانات شهری پیشرفت های خوبی داشته و به نوعی در هیچ رشته ای کمبودی وجود ندارد حتی در رشته های تخصصی.

– چگونگی داشتن یک جامعه سالم را در چه می دانید؟

– با توجه به اینکه بهترین روش درمان، پیشگیری ست آگاهی مردم از روش های پیشگیری، چگونگی زندگی سالم در مراجعه به موقع در صورت بروز هر گونه بیماری مهم ترین نقش را در سلامت فردی جامعه دارد و به نوعی آگاهی مردم از روش های پیشگیری سلامت آنان را تضمین می کند.

– به عنوان یک پزشک وضعیت امکانات پزشکی و داروهای مورد نیاز بیماران را چگونه ارزیابی می کنید؟

– از نظر داروها کمبودی نداریم اما در امکانات پزشکی کمبودهایی وجود دارد چرا که بعضی از وسایل جراحی موجود نیست ولی این امکان وجود دارد که به صورت موقت کرایه



گرفته می شود اما به تدریج سعی شده که تجهیزات مورد نیاز خریداری شود و اخیراً دانشگاه علوم پزشکی در صدد تهیه پیشرفته ترین تجهیزات جراحی های زانو در بیمارستان فاطمه زهرا می باشد.

– مهم ترین تعهد یک پزشک را در چه می دانید؟

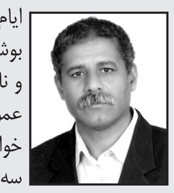
– مهم ترین تعهد یک پزشک، احساس مسئولیت در برابر بهبودی بیمارش است و اینکه خودش را به عنوان امید اصلی بیمار، برای درمان بداند و تمام تلاش خود را بکار گیرد و هیچ گونه کوتاهی در حق بیمار نکرده باشد و تا آخرین لحظه بیماری را پیگیری و بیمار را همراهی کند و از کارش خسته نشود.

– سخن پایانی؟

– امیدوارم بیماران بهبودی کامل خود را بدست بیاورند چرا که بهترین لحظه کاری یک پزشک با دیدن نتایج خوب درمان بیماران رقم می خورد.

کلید طلایی شهر بوشهر برازنده کیست؟

محمد محبوبی



ایام مدیدی است که شورای شهر بوشهر با شهردار خود در تضاد و تقابل و ناسازگاری است، لذا جهت تنویر افکار عمومی مطالبی به اجمال و به شرح ذیل خواهم آورد.

سه سال پیش احزاب سیاسی اصلاح طلب بوشهر به امید و تبعیت از تفکر غالب اصلاح طلبی در شورای شهر سوم خود، در قالب ائتلافی استانی در مورد انتخاب شهردار سیاسی، اصلاح طلب و متخصص در امور مدیریت شهری و شهرسازی برآمدند تا شاید بتوانند کلید طلایی شهر بوشهر را به امانت به ایشان بسپارند. این جماعت، شهرداری را مدنظر داشتند که دستهای او کوچکتر از کلید طلایی نباشد و از طرفی قدرت تحمل و حمل و نگهداری کلید مذکور را در چارچوب جمیع صلاحیت ها داشته باشد.

بعد از گذر از جلساتی متعدد و مکرر و استماع برنامه کاندیداهای شهرداری آنهم از جناح سیاسی خودی، سرانجام اجماع بر گزینش دکتر محمود جمهیری با تخصص شهرسازی و برنامه ریزی به توافق نهایی رضایت دادند، بدین نیت که شورای شهر با تفکری به اکثریت اصلاح طلب در اجرای وظایف شورایی و اصلاح طلبی خویش بدون تردید صدور حکم نماید، اما به تاسف، این بار هم به مثابه روش گزینش



دیگر مدیریتهای استان، دستی نامرئی برون از تصمیم گیران از آستین به درآمد تا در این مورد همه را به یکباره مات کرده به توقف مغزی محکوم نماید. در این وادی با هیچ کاره شدن اعضای شورا در برابر پیام رسانان و مسخ همه مدعیان تعیین شهردار مورد وثوق و متخصص و توانمند بر سرنوشت مردم مظلوم و کم توقع بوشهر، کلید طلایی شهر را برق زنان آرام گرفته در دستهایی به مراتب کوچکتر از کلید طلایی یافتیم، برازندگی را از او سلب و لعاب طلایی کلید را از او زدودیم تا امروز کلید طلایی را ناتوان از چرخش بر قفلهای زنگار خورده مشکلات شهر خود نظاره گر باشیم و با چشمانی از حدقه برون جهیده متاثر از آن باشیم که این دستها نه تنها قدرت حمل کلید و عبور از مشکلات شهرمان را نداشته و ندارند، بلکه بر کوچه پس کوچه و پیاده روها و دیگر معابر عمومی و زیبا سازی شهر باستانی بوشهر قفلهای محکمتری بکار بسته اند تا پدیده صِقال نیز در او موثر نیفتد.

جالب اینجاست که همین قاصدان ذوب در اجرای پیام، بدلیل دخالتهای در مدیریت و برنامه‌های شهردار مورد وثوق خود و چیدن مهره‌های فقط حرف شنو، در چهار جهت ایشان، مشارالیه را میخکوب در اسارت نام شهردار تا به امروز نگه داشته‌اند و چون در انجام برخی اوامر با موضع‌گیریهای مدیریتی کوتاهی نشان می‌داد، ترفندها و نسخه‌های گوناگون حذف او را در دستور کار قرار دادند تا نامبرده را مجبور به مشکل تراشی بر مسائل شخصی خود کنند وگرنه به واقع او را مشکلی شخصی نیست و به اصطلاح تا پایان دوره چهار ساله شهرداری خویش برنامه‌ها داشت. انتخاب، حمایت، نگهداری و ایجاد بسترهای هماهنگی البته در کنار اختیارات مدیریتی شهردار، هنر شورای شهر خردورز و مردم دوست است. لذا در شهر آنچه باید می‌شد که نشد. هر آنچه باید بدست می‌آوردیم که نیاوردیم. به استانداردهای آرمان شهری که باید می‌رسیدیم نرسیدیم. معذالک امروز شهر ما را شهردار نیاز است نه مدیر سیاسی و غیر متخصص در امور شهرداری. مجال پرسشی از اعضای محترم شورای شهر این خواهد بود که: به نظر شما کلید طلایی امروزین شهر برازنده دستان کیست؟

شاید مردی یا بانویی از خیل آگاهان و متخصصان به امور شهر و شهرداری با تحصیلاتی مرتبط و مدیری غیر سیاسی، با تجربه و کارنامه‌ای پر بار در امورات فوق‌الذکر با روحیه‌ای تعاملی و تعادلی با مدیران استان که عین صواب است. یا از جماعت سفارش شده با حمایتی بدون پشتوانه‌های فنی تخصصی و تنها در جهت رضایت افراد و نیاتی خاص به دور از بصیرتی توده نگر در راستای به توسعه کشانیدن شهر و دیار مردم بوشهر، یا اجماعی از سر دلسوزی و ترحم در اشخاص غیر متخصص و بریدن قبایی نا زیبا بر تن شخصی که فقط شما و آن هم به مدتی کوتاهتر از دم و بازدمی شهردارش خوانید که در این صورت العیاذ باالله.

ولی آنچه از شواهد و قرائن مبرهن است نظرات رسانه‌ای شما شوراییان با تاکید مؤکد بر متخصص بودن شهردار انتخابی است و نه انتصابی، از طرفی تبلیغات و زمینه‌سازیها و رایزنی‌های نا امید کننده شورایی شما نیز ما را به تردید و سرگیجه و استرس مبتلا ساخته است، زیرا با اجرای استراتژی تبلیغاتی درون شورایی چیزی جز احساس و تحقق رضایت فردی را محتوایی نیست و در صورتی که عامل به عمل آن باشید، سرانجام شاهد نماد روزگاری بدتر از این ایام بر شهر بوشهر خواهیم بود. لهذا از فضای تحدید شده شورا بر فضای بسیط برون از آن اندیشه کنید تا نیازها و آرمان‌های مردم فدای مصلحت اندیشی‌ها نشوند.

شورتان را بر فرزندان متخصص در امور شهرداری، لایق و بومی تمرکز دهید تا شهرداری اتنخابی، جامع الشرایط و غیر سفارشی را به ساختمان زرد شهرداری رهنمون باشید. در این گزینش فضای تفکر و اندیشه مدیران شهری و استانی را در تعامل با شهردار بنگرید نه در تقابل. در این حالت است که مُهر تایید مردم را بر کارنامه شورایی خود به افتخار خواهید یافت در غیر این صورت محکوم به نقد منتقدین و شماتت مردمی خواهید شد بنا بر این این بار در انتخاب شهردار جدید استقلال رای شورا زیر ذربین موشکافه مردم خواهد بود.

بازنگری یک ترجمه

دیلم از فردریک هوسه تا اعتماد السلطنه

نوشته: عبدالرضا شهبازی



در سال ۱۸۸۵ میلادی یعنی حدوداً ۱۲۴ سال قبل، دو دانشمند و جهانگرد فرانسوی به نامهای " سی بابن و فردریک هوسه " در عهد زمامداری ناصرالدین شاه قاجار به ایران سفر کردند. این دو دانشمند فرانسوی که در رشته های علمی متخصص بودند و برای تحقیقات مردم شناسی، نژاد شناسی و باستانشناسی به ایران آمده بودند ضمن مسافرت علمی خود در خطه ی جنوبی ایران منجمله بندردیلم، سفرنامه ای عامه پسند که باب چاپ در روزنامه ای عمومی باشد به رشته ی تحریر درآوردند که هفت سال پس از آن مسافرت، در روزنامه ی مشهور و پرخواننده ی فرانسوی " گردش به دور دنیا " با عنوان زیر به چاپ رسید:

A Travers la Perse Meridionale, ۱۸۸۵. Le Tour du Monde. ۱۸۹۲. Tome ۲, pp. ۱۲۸–۶۶

ترجمه ی این سفرنامه به دستور ناصرالدین شاه قاجار و توسط محمد حسن خان اعتماد السلطنه انجام شد. اعتماد السلطنه بواسطه ی علاقه به مباحث جغرافیایی و آشنایی با علوم مرتبط با آن، به تناسب بحث، توضیحات و تعلیقاتی بر نوشته های آن دو فرانسوی افزوده که به دلیل قدمت آنها، مبین علم و اطلاع افراد تحصیلکرده ی درباری در آن روزگار از مناطق جنوبی کشور است. ترجمه ای که هم اکنون از این سفرنامه در دست است و تجدید چاپ می شود همان ترجمه ی اعتماد السلطنه است. باری دو سیاح و محقق فرانسوی پس از عبور از بهبهان به بندردیلم می رسند و از آنجا به گناوه و دیگر نقاط جنوبی کشور رهسپار می شوند.

ترجمه ای که اعتماد السلطنه از این سفرنامه بعمل آورده است ترجمه ای است که به ترجمه آزاد شناخته می شود. در ترجمه ی آزاد مترجم چندان خود را موظف به حرکت بر رد پای نویسنده نمی داند. بلکه محوریت کار را بر مضمون نوشته قرار داده به تناسب هم به اصل مطلب اضافه می کند و هم به دلخواه از آن کم می کند. این نوع ترجمه برای هر متنی بدون اشکال باشد برای ترجمه متون تاریخی که قرار است مورد استناد قرار گیرند مسلماً پذیرفته نیست. ولی پیش فرض ناصرالدین شاه در دستور به ترجمه ی آن و ذهنیت خود اعتماد السلطنه در ترجمه ی این سفرنامه علی الظاهر این بوده است که مطلبی جالب و خواندنی تهیه شود که هم اوقات خوشی صرف خواندن آن گردد هم پا به پای نویسنده از مناطق گوناگون دیدن شود. استناد تاریخی آنگونه که ما اکنون از آن سخن می گوییم مورد نظر آنان نبوده است و اصلاً در آن زمان این سفرنامه متنی تاریخی محسوب نمی شده است. از این رو مترجم چندان در بند جزییات نمانده و هر چه را از متن فهمیده در قرع و انبیق ذهنش پرو بال داده و حاصل دست کم در مورد این بخش از ترجمه این بوده است که تنها حدود ۴۰ درصد به متن اصلی وفادار بماند. ولی نکته ای که جالب است به آن اشاره شود چند سطری است که اعتماد السلطنه در مورد خرابی مناطق دور از دارالخلافه طهران، از خود و البته از زبان نویسندگان به متن اضافه می کند. شاید بدینوسیله می خواسته است شاه را از وضعیت اسف بار شهرها و مناطق دور از تهران باخبر کند که چون خود مستقیماً جرات ابراز آن را نداشته از زبان این دو فرانسوی آن را نوشته است.

در ادامه، نخست ترجمه ی اعتماد السلطنه آورده می شود با این توضیح که بخشهای که مشخص شده، قسمتهایی است که مطلقاً در متن اصلی نبوده است و مترجم از خود به متن افزوده است. سپس ترجمه ای که از متن فرانسوی این بخش از سفرنامه انجام داده ام، تقدیم می گردد. در ترجمه کوشیده ام وفاداری به متن اصلی و روانی ترجمه همراه با هم رعایت شوند.

ترجمه اعتماد السلطنه:

" بندردیلم شهر کوچکی است و در آن جا ایرانیان یک قلعه دارند و اطراف آن مختصر نخلستانی است. منزل ما در خانه ی حاکم است. به واسطه ی پنجره هایی که در اطاقها تعبیه کرده اند جریان هوا زیاد است و شخص به راحتی زندگی می کند. بندردیلم از بنادر بسیار خوب خلیج فارس است و در معنی تجارتگاه هند و ایران و عثمانی است. در این بندر کشتی زیادی از هر ملت دیده می شود ، [اما ایرانیان اهتمامی در آبادانی این بندر نمی کنند. هر نقطه ای که از طهران– مرکز دولتی – دورتر است به تناسب دوری، خرابتر است. بندردیلم که در منتهای جنوب ایران و سرحد است قهراً باید خرابتر از سایر جاهای دیگر باشد.] میرزا عبدالله خان حاکم بندردیلم شخص تاجری است و در این دو سه شبی که ما در آنجا بودیم هر شب با خان حاکم بالای بام مشرف به دریا می نشستیم. از اول شب تا وقت خوابیدن، متصل عاملهای خان می آمدند و خروج و ورود بارهای مال التجاره را به ارباب خود می گفتند و او ثبت بر می داشت.[از وجنات خان پیدا بود که از تجارت فایده ی کلی می برد. ورود ما به بندردیلم یک نوع سعادتی بود. ما از این راههای بد و هوای گرم و هر نوع حوادث خلاص شدیم و به کنار دریا رسیدیم. از این به بعد آسوده خواهیم بود.] "

ترجمه پیشنهادی :

" بندردیلم شهر کوچکی است که خانه هایش همگی به گرد خانه ی خان ساخته شده اند. خانه خان عمارت بزرگی است با برج و باروهای بلند که از دور به شکل قلعه ای نمایان می شود. چند درخت نخل به این مجموعه زیبایی خاصی بخشیده اند. ما در سالنی بزرگ در عمارت خان منزل می کنیم. در این سالن، دیوار در نزدیکی کف اتاق دریچه های کوچک و متعددی دارد که از طریق آنها جریانی دائمی از هوای خنک و تازه آدمی را در بر می گیرد.

گرمای سوزان و طاقت فرسای عربستان در اینجا با نسیمی که از روی دریا می وزد ملایم می شود. اهمیت نسبتاً زیاد این بندر کوچک از این نظر است که استراحتگاهی است برای کشتی هایی که میان هند، ایران و عثمانی در رفت و آمدند. این بندر مملو از کشتی های خارق العاده ای است که قسمت عقب و بسیار بلندشان، آکنده از تزئینات چوبی است.

میرزا عبدالله خان حاکم شهر، تاجر بزرگی است. هر شب روی مهتابی خانه که مشرف به دریاست، مباشران متعدد وی، یکی یکی برای ارائه گزارش به حضور می رسند و منشی ها گزارش های آنها را ثبت می کنند. تو گویی تجارتخانه ای اروپایی است.هر نفر پس از ورود دلیل آمدنش را می گوید و آنگاه بر می گردد. البته به علاوه ی آن تعارفات و آداب طولانی و پیچیده که به جز اتلاف وقت چیزی در پی ندارند. دفاتر ثبت که بسته می شوند، قلیانها روشن می شوند و همه ی این مردان ساعتها بی هیچ اندوه و غصه ای که به نظر بیاید در این شبهای مهتابی و دلپذیر مشغول کشیدن قلیان شده از هر دری سخن می رانند و در آن پایین زیر پاهایشان امواج دریاست که آرام در حرکتند. و این جاست که آن سیمای آرام و با وقار مشرق زمین آنگونه که اکنون دوستش داریم باز جان می گیرد. "

در ذیل متن فرانسوی این بخش از سفرنامه را می توانید ملاحظه کنید.

La petite ville de Bender–Dilem avec ses maisons groupées autour de celle du Khan, grosse construction flanquée de tours et ressemblant à un fort, se profile au loin. Quelques palmiers se détachment gracieusement sur le tout. Nous trouvons asile dans une vaste pièce de la demeure du Khan. Le mur est percé de trous nombreux au niveau du plancher, et un courant d'air permanent et frais nous environne. La lourde chaleur de l'Arabistan est ici tempérée par la brise marine. Le petit port, assez important comme relâche du cabotage entre l'Inde, la Perse et la Turquie d'Asie, est tout rempli d'extraordinaires bateaux, don't l'arrière très élevé est surchargé d'ornements en bois découpé.
Mirza Abdoullah Khan, le gouverneur de la ville, est un grand commercant. Le soir, sur sa terrasse qui domine la mer, ses nombreux intendants viennent un à un render leure comptes que des secrétaries inscrivent. On dirait une maison de commerce européenne; chacun arrive, expose de suite ce qui l'amène et se retire – plus de ces longues et compliquées politesses qui sont des pertes de temps. – Mais les lives sont fermés, les ghalians s'allument, et très longtemps, sans soucis visibles, tous ces homes fument et devisent dans la nuit tiède et claire, immobiles au bord des vagues qui clapotent à leure pieds; et voici revenue la sereine vision de l'Orient, tel que nous l'aimons maintenant.

کودکان به والدین خود نمره قبولی می دهند یا مردودی؟

به مناسبت فرا رسیدن ۱۶ مهر ماه، روز جهانی کودک

بهاره عالی پور



شاید حضور یک کودک در خانه برای عده ای مسرور کننده باشد و برای عده ای دیگر عذاب آور، غافل از اینکه کودکان در اکثر مواقع بزرگترها را دنبال می کنند اما تحمل افراد همیشه اجازه رویارویی با کودکان را نمی دهد؛ کودکان همیشه برای این رویارویی حاضرند و همه اینها به این دلیل است که کودکان دنیای زیبایی دارند و هیچ گاه در یا درهای دنیای خود را به روی کسی نمی بندند.

در دنیای کودکان همیشه به روی بزرگترها باز است، شاید گاَهی اوقات به دلیل وجود گلایه های کودکانه ای که در دل کوچک اما بزرگشان دارند در را نیمه باز بگذارند اما هیچ گاه آن را نمی بندند و همیشه منتظرند که بزرگترها این در را باز کنند و با ورود، آنها را با خودشان همراه سازند.

شاید دوران کودکی محدوده سنی خاصی داشته باشد اما گاهی بزرگسالان هم می توانند خود را کودک فرض کنند و دست در دست کودکشان با هم دنیای کودکی را تجربه کنند در حالیکه گاهی نبودن در کنار کودکان درک بزرگترها را نسبت به کودکی که در نزدیکیشان زندگی می کند پایین می آورد و در آن زمان است که کودک خودآگاه یا ناخودآگاه نادیده گرفته می شود و این بدترین حالتی ست که می تواند برای والدین و کودکی که می توانند در آغوش خود پرورش دهند پیش آید.

شانزدهم مهر ماه روزجهانی کودک نامگذاری شده، بهتر است در چنین روزی تلنگری به خود بزنیم و از خود بپرسیم که چه کرده ایم و از کودکانمان بخواهیم که به ما نمره دهند. اگر نمره قبولی گرفتیم، می توانیم به خودمان افتخار کنیم و با تلاش مضاعفی روزهای کودک آینده را هم نمره قبولی دریافت کنیم، اما نمی دانم برای مردودی ها چه باید کرد.

فرا رسیدن روز جهانی کودک فرصتی شد تا قبولی یا مردودی والدین را با کمک کودکان محک بزنیم و راه های قبولی را از آنها یاد بگیریم. راستش را بخواهید پیدا کردن کودکانی با افکار مختلف کار سختی بود و دردسری بود که متقبل شدیم تا حداقل برای روز جهانی کودک کاری کرده باشیم.

مدرسه، مغازه، آرایشگاه و خیابان مسیرهایی بود که برای دیدن و شنیدن حرفهای کودکان بوشهری انتخاب کردیم آن هم برای انجام کاری که ارزش این دردسرها را داشت.

بیشتر پیشم بمانند و به حرفهایم گوش بدهند

سعید کودک ده ساله ای ست که اولین نمره پایین را به والدینش می دهد. نمره انتخابی او ۱۲ است. می داند نمره بسیار پایینی ست ومعتقد است که بیشتر از این نمی تواند نمره دهد البته دلیلش هم روشن است و بهتر است آن را از زبان خودش بخوانید: «هم بابام و هم مامانم کار می کنند. هر دو تا شون از صبح تا شب مشغول کارند. مامانم که از سر کار می آید به آشپزخانه می رود و تا شب فقط توی آشپرخانه می بینمش و بعد هم خیلی خسته می شود و حوصله حرف زدن را ندارد.»

سعید می گوید: «یکم که باهاشون حرف می زنم "داد می زنن و میگن حوصله ندارم" اما دوست دارم با یه نفر حرف بزنم ولی هیچ کس نیست که با من حرف بزنه. حتی اجازه رفتن به کوچه و بازی با دوستانم هم ندارم. بابا و مامانم خیلی بد هستن اصلاً من را دوست ندارند. من از آنها میخواهم که بیشتر پیشم بمانند و به حرفهایم گوش بدهند.»

سعید دوست دارد که در روز کودک یک جشن تولد خوب برایش بگیرند به شرط اینکه در آن روز همه در خانه باشند.

نمی توانم به آنها نمره ۲۰ بدهم

ابراهیم ۹ ساله است، همان اول نمی گوید که از دست پدر و مادرش راضی است یا نه و چه نمره ای را به آنها می دهد. آرزوی داشتن چیزهای زیادی را دارد به همین دلیل خیلی سریع سرِ اصل مطلب می رود و می گوید: «اگر برایم اسباب بازی، پلی استیشن، دوچرخه جدید و یه عالمه کارتون بخرند از دستشون راضی می شم و بهشون نمره ۱۹ می دهم.»

وقتی چرایی دادن نمره ۱۹ را از او می پرسم، زیرچشمی نگاهی می کند و با هوشیاری و زیرکی کامل می گوید: «آخه تا وقتی که همه این چیزها رو برام بخرند خیلی گذشته و من چیزهای دیگری می خواهم برای همین نمی توانم به آنها نمره ۲۰ بدهم.»

از رفتار پدر و مادرش راضی بود اما می گفت: «منتظر می مانم تا همه این چیزها رو برام بخرند و اون موقع خیلی راضی تر می شم.» آناهیتا دختر ۶ ساله ای بود که به سختی می توانستم با او صحبت کنم اما اگر هر کس دیگری هم جای من بود از شنیدن حرف هایش لذت می برد و دوست نداشت از او خداحافظی کند، مادرش زحمت ترجمه سوال هایی را که به کودکانه ترین شکل بیان می کردم می کشید و در آنجا بود که متوجه شدم بعضی اوقات ما بزرگترها آنقدر ناتوان می شویم که در یک ارتباط بسیار دوستانه و صمیمی از صحبت کردن با یک کودک هم عاجز می شویم؛ بالاخره از لابه لای جواب هایی که شبیه و در مورد همه چیز بود جز سوالی که از او پرسیده بودم چیزی بیرون آمد تا آن را بنویسم.

دختر دوست داشتنی با عینکی که فرام صورتی رنگ داشت. عاشق مادربزرگش است چون هم قشنگ است و هم قشنگ صحبت می کند و به قول مادرش ساعتها تلفنی با او صحبت می کند. بعد از آن شیرکاکائو و خرگوش را بیشتر از همه خوردنی ها و حیوانات دوست دارد و جالب است بدانید از جِن می ترسد. آناهیتا کوچولوی ۶ ساله می گوید:«از جن خیلی می ترسم و شبها تنها توی اتاقم نمی خوابم.»

افکار جالبی داشت مادرش حق داشت که می گفت خیلی آینده نگر است چون دوست داشت که الان کلاس چهارم باشد. در مورد انتظاری که از پدر و مادرش دارد می پرسم اما او از همه چیز و همه کس می گوید جز انتظاری که باید داشته باشد. مادرش کمک می کند تا کودکانه تر سوالم را بپرسم اما فایده ای ندارد.

نمی شود ... تا اینکه مادر آناهیتا می گوید:«کمبود پدر را حس می کند و وقتی که درگیر کار هستم نمی توانم به او توجه کنم و این باعث می شود که خلاء حضور پدر را بیشتر احساس کند؛ آناهیتا دوست دارد پدر داشته باشد و با او بیرون برود و بازی کند.»

وی ادامه می دهد: «گاهی اوقات وجود مشکلات باعث می شود که برآورده کردن خواسته های فرزندانمان خارج از توانمان باشد و انتظاراتی که دارند فکرمان را مشغول می کند.»

موقع خداحافظی به من گفت می یای بریم خونمون؟ و مادرش هم درجواب گفت هر کس را که اینگونه صمیمی می بیند به خانه دعوت می کند من هم قول دادم که حتما به دیدنش بروم.

دوست دارم مثل کریستیانو رونالدو لباس بپوشد

علیرضا یازده ساله، بچه اول خانواده است و می گوید: «بابا و مامان هوامو دارند اما وقتی کارهایم را به موقع انجام نمی دهم عصبانی می شوند.»

فکر می کند چون بچه اول است به او توجه می کنند البته در حد متوسط. انتظارش از خانواده اش این است که در انجام کارها کمکش کنند البته با شیطنت می گوید: «تکالیفم را انجام دهند و در کنارش برایم لپ تاپ و گوشی N۹۵ بخرند.»

بیشترین مشکلش را در درس و مشق هایش می داند و از شروع مدارس و درس و شق ناراحت است. آخرین مشکلی که برایش پیش آمده بود برای درست کردن نیمرو بود که از مادرش کمک گرفت. آرزو دارد فوتبالیست شود و مثل کریستیانو رونالدو لباس بپوشد و تیپ بزند و تکنیک های او را یاد بگیرد در واقع الگویش بود و در خانواده اش علاوه بر پدر و مادرش سعی می کرد از عمویش هم چیزهای زیادی یاد بگیرد. وقتی کسی لطیفه ای برایش تعریف می کند بهترین لحظه شاد بودنش است و روزهای یکشنبه را بیشتر از سایر روزها دوست دارد چون در مدرسه فوتبال بازی می کنند.

دوست دارد در روز جهانی کودک دوچرخه هدیه بگیرد چون رنگ دوچرخه اش پریده است.

مرا به خانه برسانند!

زهرا حکیمی حدودا ۷ سال سن داشت و مشغول گریه کردن بود چون پدرش بعد از تعطیلی مدرسه به دنبال او نیامده. اشکهای کوچکش همینطور پایین می آمدند. به نظر می رسید در آن لحظه بدترین نمره دنیا را به پدرش می دهد و حسابی عصبانی بود چون همه دوستانش رفته بودند فقط من بودم و زهرا و بعد از کمی آرام شدن بالاخره رضایت داد به یکی دو تا از سوالات ما پاسخ دهد. از دکترها خوشش می آید و می خواهد دکتر شود. خواهر کوچکش را دوست دارد و سعی می کند کارها و حرکاتش را تکرار کند و مثل او رفتار کند.

در آن شرایط هیچ چیز دیگری را به خاطر نمی آورد نمی دانست در خانه با چگونه رفتار می کنند، فرزند چندم است و چه انتظاری از والدینش دارد تنها چیزی که در آن موقع می خواست این بود که او را به خانه برسانند.

بزرگترین مشکلم، حواس پرتی ام است

مینا همتی درختر ۱۱ساله ای ست که از والدینش راضی به نظر می رسد. می گوید: «پدر و مادرم با من بسیار خوش برخورد هستند و در بیشتر کارها به من کمک می کنند؛ چون خیلی زیاد من را دوست دارند اهمیت زیادی به من می دهند اما انتظار دارم که در انجام درسهایم به من کمک کنند و همیشه در زندگی پشتیبان من باشند و من سعی می کنم از پدر، مادر و خواهرم چیزهای زیادی یاد بگیرم. بزرگترین مشکلم همیشه در کلاسهای درسی ام و بخاطر حواس پرتی ام بوده ولی نتوانسته ام با آن مقابله کنم.»

از آرزوهایی که دارد سخن به میان می آورد و می گوید: «اول از همه آرزوی سلامتی و ظهور آقا امام زمان را دارم و بعد از آن شغل دامپزشکی را دوست دارم چون به حیوانات بسیار علاقه مندم.» بهترین لحظه ای که مینا را شاد می کند زمانی ست که نمره ۲۰ بگیرد. مینا می گوید: «موقعی که امتحانات مدرسه ام تمام می شود و در کارنامه تحصیلی ام نمرات ۲۰ ببینم خیلی خوشحال می شوم و بهترین لحظه شاد من است.» مینا از خانواده اش خیلی راضی ست و نمره خیلی خوبی به آنها می دهد و می گوید: «من فکر می کنم در تمام موارد و حتی بیشتر از حد قانونی به من و خواسته هایم توجه شده تا جایی که شاید بچه ها می توانستند از آن سوء استفاده کنند و یا توقعاتی داشته اند که در حد سنشان نبوده و باید در سنین بالاتر آن را می داشتند.»

البته گزارش بدون صحبت کارشناسی، ناقص به نظر می آید اما باید به عرض برسانم که به هر دری زدم تا یک کارشناس را وارد این گزارش کنیم اما همگی مشغول بودند و از افتخار شرکت در بخش پایانی گزارش صرف نظر کردند. در هر حال می توان از صحبت های کوچولوهایی که در بالا غلط های ریز و درشتی از پدر و مادرشان گرفتند و نمره های خوب یا بدی دادند راه های موفقیتی پیدا کرد.

لازم به ذکر است که پدر و مادرها ناامید نشوند چون راه درازی در پیش است و می توانند به گونه های مختلفی کمبودها و کاستی های منطقی را که می شناسند را جبران کنند.

چرا باید درس بخوانم؟

علیرضا محمدی– دانش آموز کلاس پنجم– دبستان سعادت

من علیرضا محمدی ۱۲ سال دارم. از کودکی در بین فامیلهایمان و دوستان خیلی ها بودند که به مدرسه می رفتند یا هم سن و سال من بودند و یا از من بزرگتر بودند. همیشه این سوال در ذهنم وجود داشت که ما بچه ها چرا درس می خوانیم و چرا به مدرسه می رویم. اصلا دوست داشتم بدانم چرا باید درس بخوانیم و همیشه پدر و مادرم می گفتند که درس خواندن خوب است اما این جواب برای من کافی نبود چون نمی دانستم خوب بودن یعنی چه و یا منظورشان چیست؟

چرا درس خواندن خوب است و چرا باید به مدرسه می رفتیم؟ فکر می کردم خیلی ها با رفتن به مدرسه وقت خودشان را تلف می کنند اما من دوست داشتم کار کنم فقط کار کنم تا اینکه به مدرسه رفتم و معنی درس خواندن را فهمیدم و حالا کلاس پنجم دبستان هستم و معلم انشاء موضوعی را به ما داده که درست سوالی بود که مدتها در ذهن داشتم اما حالا جواب آن را می دانم این جواب را وقتی که به کلاس اول، دوم، سوم و چهارم رفتم فهمیدم.

چون با رفتن به مدرسه خیلی چیزها یاد می گیریم چیزهایی که در خانه و بیرون از خانه یاد نمی گرفتم و حالا من می دانم چه کسی هستم و می توانم اسم خودم را بنویسم، می دانم خانواده ام کیستند و چگونه زندگی می کنند.

جدول ضرب یاد گرفته ام و از تاریخ کشور و جغرافیایی که دارد چیزهای زیادی یاد گرفته ام...

اما حالا نمی پرسم چرا به مدرسه می روم و سوالم این است که تا چقدر باید به مدرسه برویم تا همه چیز را یاد بگیریم. حالا پدر و مادرم می گویند علم آموختن، پایانی ندارد چون همیشه چیزهایی برای یاد گرفتن وجود دارد.

پیشنهاد به مربیان شاهین:

فیلم پنالتی های شاهین، بازنگری شود

نادر اقدام

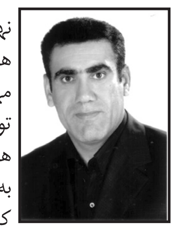


اگر به آمار حمله تیم های فوتبال اروپایی نگاهی داشته باشیم و آن را با تیم های فوتبال ایران مقایسه کنیم، یک نکته توجه ما را به خود جلب می کند و آن این است که اگر چه دفعات حضور بازیکنان تیم های خارجی در یک سوم دفاعی حریف بیشتر از بازیکنان ایرانی است ولیکن آمار خطاهای انجام شده و پنالتی های گرفته شده به مراتب کمتر از ایران است. ضمن اینکه با گرفتن خطای پنالتی توسط داوران در ایران بازار اعتراض و چانه زنی وقت گذرانی بازیکنان مقصر با داوران و اصرار فراوان که خود را بی گناه نشان داده و به تماشاچی القا کنند که این ما نیستیم که مقصریم بلکه این داور است چنین تشخیصی داشته، شروع می شود. دوربین های فیلمبرداری مستقر در استادیوم های ایران از استاندارهای بین المللی کمتر است و به همین دلیل دستیابی به حقایق بسیار دشوار است.
از آنجایی که ۵ گل خورده به تیم شاهین پارس جنوبی تا هفته هشتم از خطای پنالتی بوده است و چند تای دیگر مربوط به ضربات ایستگاهی (خطای پشت ۱۸ قدم)، می طلبد که فیلم بازی های تیم شاهین سریعاً بازنگری و خطاهای مشکوک داخل محوطه و نزدیک محوطه آنالیز گردیده، ریشه یابی گردد. بررسی سوابق و عملکرد بازیکنان تیم در لیگ های برتر و ۱ و۲ در سالهای گذشته می تواند ما را به حقایق نزدکتر کند.
روابط دوستی و همشهری گری مربیان تیم ها و داوران بازی ها و... هم می تواند در این زمینه تاثیر گذار باشد. اگر چه ممکن است فوتبالیستی برای توجیه عمل خود بگوید که انسان جایز الخطاست و لیکن حقیقتاً اینطور نیست و انسان جایز الخطا نیست بلکه ممکن است خطا کند.

مساوی در روز تولد یاوری

رضا سیاهوشی





نهمین هفته بازی های لیگ برتر در نهم مهرماه و در روز جشن تولد بازیکنی که سال ها با پیراهن شماره ۹ به میدان رفت و تجربه کسب نمود تا امروز نیز بتواند ضمن انتقال تجارب خود به جوانترها و در سن ۷۰ سالگی، بعنوان پیشکسوت مربیان لیگ برتر بر روی نیمکت داغ مربیگری و آن هم در شهری داغ فوتبالی بکشاند و بنشاند و بیش از ۲۰ هزار تماشاگر یک صدا تولد وی را تبریک گویند. اما افسوس که شاگردان یاوری نتوانستند با یک برد شیرین این جشن را تکمیل نمایند.
منصوریان سرمربی تیم پاس با آنالیز بازی های قبلی تیم شاهین و شناخت از نقاط ضعف و قوت آن، ضمن از کار انداختن خط میانی و نفوذ در عمق دفاعی به گلی زود هنگام دست یافت و تا پایان نیمه نخست با اقتدار بر توپ و میدان تسلط داشت . اما در نیمه دوم که همان نیمه مربیان است بازیکنان شاهین با فرامین و دستوراتی که یاوری در رختکن برای آنان صادر کرده بود توانستند از همان ابتدا و برخلاف نیمه اول و به مانند بازی های گذشته خود با یک بازی روان، جذاب و منطقی فشار حملات خود را به روی دروازه پاس افزایش دادند تا اینکه در دقیقه ۶۰ بازی توسط کرمی هافبک دونده و شوت زن خود به گل مساوی رسیدند و هرچند که اگر مهاجمان شاهین در نواختن ضربات نهایی دقت لازم را به خرج می دادند می توانستند پیروز میدان هم باشند.اما نتیجه عادلانه بازی همین نتیجه تساوی بود و امیدواریم که در هفته دهم و در مصاف با تیم صبای قم که سرمربی آن تاکنون با هیچ تیمی، موفق به شکست شاهین نگردیده همچنان وی را ناکام گذاشته و با همین روحیه مضاف بتوانند نتیجه لازم را در شهر مقدس قم کسب نمایند.
نکاتی پیرامون بازی و حواشی شاهین و پاس :
– روشنگر دروازه بان شاهین که در خروج ، جذب و دفع توپ های ارسالی از جناحین، شهامت و شجاعت قابل تحسینی دارد ولی متاسفانه در توپ گیری و شوت های از راه دور بسیار ضعیف و مبتدی عمل می نماید که جا دارد جلال بشرزاد مربی دروازه بانان شاهین برای برطرف نمودن این ضعف تمرینات ویژه و بیشتری برای وی در نظر گیرد.هرچند که نباید از بکارگیری دروازه بان مجرب غافل بود.
– با توجه به ضعف شدید عمق دفاعی شاهین و بازی های سخت آینده و مهاجمان سرعتی تیم های مقابل نیاز است یاوری فکری اساسی برای تیم خود نماید زیرا تیمی که با حساب و کتاب فوتبال بازی می کند و به گل می رسد و از حمایت ویژه تماشاگر برخوردار می باشد، حیف است با خوردن گل های که بیشتر از روی اشتباهات فردی حاصل می گردد، نتواند به آنچه که شایسته آن بوده دست یابد و یا جایگاه مناسبی در جدول نداشته باشد.
– کمبود مهره های لازم و کافی و عدم یارگیری مناسب باعث گردیده بود تا یاوری با استفاده از کرمی و ساندی در پست های غیر تخصیصی، هم از کارایی لازم آنان بکاهد و هم در کار تیمی اثر منفی بگذارد.
– یدالله اکبری، هادی اصغری و دیگر بازیکنان تیم پاس همدان از شور و هیجان و نحوه تشویق تماشاگران بوشهری همراه با رعایت ادب و نزاکت و احترام به تیم مقابل، سخن گفته و آنان را تحسین کردند.
– تماشاگران بوشهر بازهم ثابت کردند که از بهترین، فهیم ترین، علاقمندترین و متعصب ترین تماشاگران ایران هستند و با هماهنگی لیدرهای پر تلاش شاهین ضمن رعایت نظم و انضباط در ورزشگاه یکپارچه و متحد الشکل و بدون هیچگونه پرخاشگری و اهانت به تیم حریف و داوری فقط به تشویق شاهین پرداخته و همین شور وهیجان خاص باعث تعجب کادر فنی و تیم های حریف و حتا ناظرین فدراسیون فوتبال شده است که جا دارد مسئولان تربیت بدنی و صدا و سیمای مرکز بوشهر نسبت با انتقال خبر و اخبار آن به مرکز و انجام مانور لازم روی این موضوع هم از آنان تجلیل و قدردانی بعمل آورند و هم به نوعی ترویج فرهنگ حمایت و تشویق سالم را از بوشهر به کل کشور رسانده شود ضمن اینکه آن ذهنیت منفی که بعضی از میهمانان و بخصوص مربیانی مانند علیرضا منصوریان که گفته بود قبل از ورود به بوشهر تصور دیگری داشتم از بین برده و دیگر اینکه برای ادامه این روند مثبت اگر مدیرعامل باشگاه شاهین با هماهنگی اداره کل تربیت بدنی با توجه به شماره سریال بلیط ها در هربازی جوایزی حتا الامکان ورزشی برای آنان در نظر گرفته بگیرند.

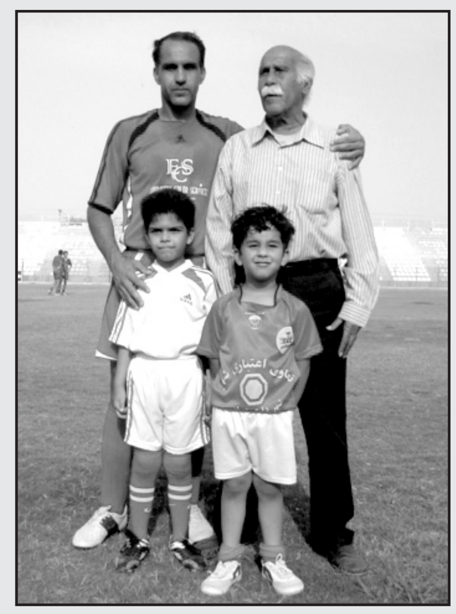
هواداران بوشهری و لباس عربی؟!

زیبا راستیان



مسلماً یکی از عوامل موثر در ایجاد انگیزه و تقویت روحیه بازیکنان حضور هواداران تیم در استادیوم هاست. چنانچه گاهی برای تنبیه تیم ها بازی های آنها را بدون تماشاگر برگزار می کنند که هم از نظر روحی و هم از نظر اقتصادی مورد تنبیه واقع شوند. اما حضور هواداران به همراه لیدرها و وسایلی که برای تشویق به کار می برد، اگر به گونه ای باشد که بتواند شخصیت و فرهنگ و آداب و رسوم شهر را نیز معرفی کند بسیار زیباتر خواهد بود. اینک که تیمی از شهر ما برای نخستین باز به جمع تیم های لیگ برتری پیوسته و تصاویر بازی ها از طریق شبکه های جهانی به سراسر دنیا ارسال می شود، باید هوشیارانه تر عمل کنیم. در بازی شاهین بوشهر و پرسپولیس تهران حضور تماشاگران بوشهری و تشویق پیوسته آنان بارها دوربین های استادیوم را به سمت و سوی آنها کشاند. اما در این میان چند نکته حائز اهمیت بود: اول اینکه نواختن دمام که نماد فرهنگ و سنت و آیین های دینی ماست بسیار جالب بود ولی دمام زدن با لباس عربی نه با فرهنگ و نه با سنت بوشهری ها هیچ سنخیتی ندارد. این در حالی است که بوشهریها بارها با نوشتن مقاله و در جمع های دوستانه با پایتخت نشینان بسیار بر این امر تأکید کرده اند که بوشهری ها عرب نیستند.

نکته دوم اینکه لیدری که با نواختن بوق دستی تماشاگران رابرای تشویق هماهنگ می کرد، لباسی پوشیده بود که پشت آن نوشته بود (lider) که چنین کلمه ای اصلاً وجود ندارد. البته مقصود همان leader به معنی سردسته یا رهبر ارکستر است برای چاپ صحیح این کلمه پشت پیراهن فقط کافی بود چند دقیقه در یک واژه نامه انگلیسی جستجو کنیم.



سعید درویشی مظهر غیرت و اخلاق ایرانجوان

آقای ابراهیمی، ناشیانه ایرانجوان را در هم نریز

اسکندر احمد نیا



همه می دانیم با وجود اینکه ضعیف ترین مدیریت جهان بر ایرانجوان بوشهر حاکم است، سال گذشته یکی از بهترین ترکیب های تیمی را (در زمینه ی) فوتبال، در تاریخ بعد از انقلاب خود داشت. و باید گفت و با تأسف هم باید گفت که این ترکیب زیبا را، ناصر ابراهیمی بسیار ناروا و حتی خصمانه با کنار گذاشتن سعید درویشی، بازیکن با اخلاق و خوش تکنیک و متعصب این تیم، ستمگرانه و ناشیانه در هم ریخت. زمزمه های چندش آوری اکنون در گرفته است که این آدم در فصل جدید که باز هم به یمن عملکرد ضعیف مدیریت این باشگاه، دوباره در کسوت سرمربی گری وارد بوشهر شده است، گفته است که من: درویشی را نمی خواهم. در سال قبل اینجانب ضعف های این سرمربی را برشمردم، درست است او سالها در پشت خاکریز یک مربی بنام علی پروین پنهان بوده است، اما واقعیت این است که نمره ای در جدول موفقیت اصلا و ابداً نداشته و ندارد. اکنون برهواداران باشگاه ایرانجوان واجب تر از نان شب و نفس کشیدن است که از کاپیتان کم نظیر و غیرتمند خویش، که مجسمه و نماد اخلاق و ایثار است به دفاع برخیزند و تا رفتن ابراهیمی از بوشهر دست از دامن قانون برندارند. دست به دامن قانون شوند و از قانون بخواهند تا شرایط معضلات را از سر آنها و باشگاه باقدمتشان کم نماید. صاحبان اصلی باشگاه و دوستداران واقعی آن بخود آیند و این تحقیر و حق کشی را به زمین نامدیران برگردانند. ایرانجوان، همراه با شاهین هویت ورزش بوشهر است. سالهاست که این تیم در حسرت ورود به جایگاهی که برازنده شخصیت هوادارانش است می سوزد. ابراهیمی در حد و اندازه ی ایرانجوان نیست (به عینه دیدیم). ابراهیمی هم با این اندیشه های نخ نما شده ی فوتبالی اش، نه در اندازه ایرانجوان است و نه در حد تیم هایی در این ردیف، ارزان بودن قرارداد نباید تیم محبوب نیمی از مردم بوشهر را به نابودی بکشد و با حیثیت بازیکنی همچون درویشی بازی نماید. ایرانجوانی ها اگر عاقل بودند، ایمان دشتی را می آوردند و زوج سعید قرار می دادند تا بعد از سالها، مردم فوتبال واقعی بوشهر را به تماشا بنشینند. دشتی و درویشی هر دو در حد و اندازه ی یک تیم لیگ برتری هستند.
از آقای اقدام هم جای تعجب فراوان وجود دارد که آقا رفته ای آنجا که چه کنی؟ ما شما را بعنوان یک اسطوره و کارشناس می شناسیم، چرا در کنار عده ای جا گرفته ای که در حد و اندازه ات نیستند و از همه مهمتر چرا سکوت کرده ای؟
به هر حال اگر ابراهیمی پر مدعا اینجا بماند و سعید پشت خط برود، باید باشگاه ایرانجوان را برای همیشه تعطیل شده دانست. چرا؟ به این دلیل که راه ورود شایسته گان را بروی خود بستن یعنی ول معطلی شدن! امید است که ابراهیمی برود و درویشی در خانه اش بماند.

پرسپولیس قهرمان فوتسال شهرستان بوشهر

رسیده بود بلائی، ولی بخیر گذشت



تیم فوتسال پرسپولیس بوشهر (باغ زهرا) با اقتدار و با پشت سر گذاشتن حریفان خود، قهرمان شهرستان بوشهر شد و چندی دیگر می بایست در مسابقات استانی حضور داشته باشد. این تیم با مربی جوان خود احمد دعایی برای دومین بار قهرمان بوشهر گردید و در این مسیر نباید از زحمات سرپرست پرسپولیس علی غریبی بسادگی گذشت.
اسامی تیم پرسپولیس: محمد قربانی، اسماعیل تنگسیری، میلاد ابودوله، عبدالمطلب رنجبر، غلامرضا امیدی، غلامرضا اردست، محمد رضا حسن زاده، مجید دست اورنجن، جلیل رئیسی، مجتبی دولاح و عادل گرشاسبی، سرمربی: احمد دائی، مربی: حسن نیکوسرشت، سرپرست: علی غریبی
و اما یک صحنه تلخ، جمعه هفته گذشته، یعنی آخرین بازی پرسپولیس(باغ زهرا) مقابل سپاهان(هلالی) که با نتیجه ۸ بر ۳ به سود پرسپولیس خاتمه یافت و این تیم قهرمان فوتسال بوشهر شد، قبل شروع بازی دو تیم، به دلیل به حد نصاب نرسیدن نفرات تیم سپاهان، بازی با تاخیر شروع شد. در کمال تعجب تیم سپاهان از دروازه بانی ۸ الی ۹ ساله با لباس شخصی استفاده کرد. نونهالی که لباس ورزشی بر تن نداشت نه قرارداد رسمی با سپاهان، در همان دقیقه اول بازی شوتی محکم از جانب پرسپولیسی ها که به صورت گلر سپاهان برخورد کرد آن پسر بچه را نقش بر زمین کرد و نزدیک بود بلای خطرناک به سر این بچه بی گناه حادث شود که به حمد الله بخیر گذشت. وقتی گلر نونهال سپاهان قادر به بازی نبود، مربی تیم پرسپولیس معرفت به خرج داد و یکی از یاران خود را از زمین بیرون کشید و بازی را سه نفره دنبال کرد. پس از چند دقیقه از این حادثه مسعود مرادی که برای قضاوت بازی شاهین و مس کرمان به بوشهر آمده بود وارد سالن دو هزار نفری فجر شد و خوشبختانه این صحنه زشت و خطرناک را مشاهده نکرد. به راستی اگر این داور بین المللی چند دقیقه زودتر به سالن می آمد چه تصویری از فوتسال و اجرائیات آن کمیته در ذهنش نقش می بست. امید است محمد دوانی با پیگیری این موضوع با خاطی آن برخورد نماید.

برداشت آزاد

بازی شاهین لکنت داشت

مجیداصلانی



دو تیم شاهین و پاس در هفته نهم در شرایطی صف آرایی نمودند که هردو تیم در هفته هشتم بازی های خود را به ترتیب با استقلال اهواز و ذوب آهن با کسب نتیجه تساوی پشت سر گذاشته بودند. تیم پاس روی مهره هایی هم چون کریمیان، میرقربانی و هادی اصغری و تیم میزبان هم چشم به خلاقیت بازیکنانی هم چون پورخسروانی، احمدپوری، کرمی، بازیاری و ساندی برای رسیدن به گل چشم دوخته بودند که هر دو گل بازی هم روی حرکات فردی و نه تاکتیک مشخص تیمی وارد دروازه ها گردید. در نیمه دوم عمل کرد خوب همراه با چاشنی هوشیاری و شانس، پاسی ها در موج حملات شاهینی ها خلل ایجاد نمودند و مانع پیروزی خانگی وکسب سه امتیاز شاگردان یاوری در استادیوم بوشهر شدند. ولی باز هم تماشاگران نمره قبولی گرفتند. به راستی در این بازی بد بودیم به جز ۱۵ دقیقه اولیه نیمه دوم رگه هایی از فوتبال ارایه گردید، مابقی بازی بد بودیم. وقتی شما گزارش گری هستید که به بازی احاطه دارید و تمامی زوایا را بازگو می کنید، می بینید نیمه اول و پاره ای از وقت نیمه دوم، بازی شاهین لکنت داشت و در واقع به درستی می بینید بازی لکنت دارد. وقتی فوتبال ما سبک و تفکری در آن وجود ندارد بازی دچار لکنت می شود و شما هم در گزارش به لکنت زبان می افتید. آهنگ بازی شاهین پارس جنوبی در بازی مقابل حریف همدانی چه کسی می بایست شروع می کرد؟



در تمامی مناطق بازی در مصاف تک به تک با بازیکنان کم می آوردیم و این بازیکنان بوشهری بودند که در مصاف ها ناموفق بودند و به راحتی مالکیت توپ را لو می دادند. نیمه اول یک نیمه سرد و بی هدف شاهد بودیم و افت و خیزبازی در میانه میدان جریان داشت وقتی تجمع بازیکنان در میانه میدان متراکم باشد دیگر توپی حرکت ندارد که خلق هیجان نماید. با ذره بین نگاه کنیم و دقت نماییم در چارچوب فوتبال چه کارهایی انجام دهیم که سطح فوتبال در لیگ برتر به آن جا برسد که همه انتظار دارند یک فوتبال خوب شاهد باشند ، فوتبال یک ورزش شناور وهیجان انگیز است.
نیمه دوم بازیکنان شاهین تا قبل از رسیدن به گل توسط عبدالله کرمی عکس العمل نشان دادند وعرض و عمق زمین را بزرگ تر نمودند و تا حدودی با تلاش و کارهای ترکیبی در یک سوم باکس جریمه حریف موجب شدند که به بازی جذابیت دهند و عاقلانه بازیکنان در فضا های مورد نیاز با پاس های کوتاه حریف را تحت تاثیر قرار دادند، در راست و چپ وجلوعقب دید تیمی به بیش از ۲۰ متر رسید و حرکات ساندی و پتروویچ باعث شد بازیکنان آزاد را بهتر ببینند و گلی که به نفع شاهین رقم خورد نشان داد که دفاع تیم پاس آسیب پذیر بوده و چنان چه حملات شاهینی ها تداوم می یافت، شاهد گل پیروزی بخش بودیم ولی چه زود بازیکنان اشباع و به تساوی خانگی قانع شدند.
سکونشین ها را دوست بداریم و به بار هیجانی آن ها احترام بگذاریم. اعتبار فوتبال ما دست شماست وتحت تاثیر هیچ کس قرار نگیرید، همان طور باشید که هستید و می خواهید باشید و عشق تان و هیجانتان را به بوشهر و مکتب شاهین پاک نگه دارید. نتایج می آیند و می روند و این خاطره هاست که از بازی ها باقی می مانند. تساوی تیم ها در هفته نهم پیش درآمدی برای موجه جلوه دادن و اعتبار بخشیدن به تساوی دربی ۶۷ بود؟ به راستی در جلسه هم اندیشی مربیان در هفته اخیر به میزبانی فدراسیون فوتبال تصمیم تساوی تیم ها در هفته نهم کلید خورده بود؟



عبدالله شیرانی از جمله استعدادهای ناب بوشهری است که با نگاه تیزبین اصفهانی ها به سپاهان آن دیار پیوست. شیرانی در طول یک سالی که در همسایگی زاینده رود زندگی می کند در امر افول فوتبال، پیشرفت های قابل توجهی نموده، وی هم اکنون عضو تیم ملی فوتبال نونهالان ایران بوده، هفته گذشته

مصاحبه با عبدالله شیرانی ملی پوش بوشهری تیم ملی فوتبال نونهالان ایران:

در بوشهر به تیم های پایه اهمیت داده نمی شود

این فوتبالیست آینده دار میهمان هفته نامه ما بود که برشهایی از صحبت های این استعداد رفته از بوشهر را به خوانندگان محترم تقدیم می داریم:
– حدود یک سال است که در تیم فوتبال سپاهان اصفهان عضویت دارم، درآن جا همه گونه امکانات وجود دارد و برخورد مسئولین و مربیان با همه بومی ها و غیر بومی ها یکسان است. سپاهانی ها برای این که راحت تر به فوتبال بپردازم، مشکل مالی و مسکن را برای من و خانواده ام مرتفع نموده اند که این محبت اصفهانی ها را هرگز فراموش نخواهم کرد.
– متاسفانه در بوشهر به تیم های پایه اهمیت چندانی داده نمی شود و تیم داری خیلی مقطعی می باشد و این مسئله باعث می شود، کسانی که تازه فوتبال را شروع کرده اند با مشکل مواجه شوند، از لحاظ امکانات هم بوشهر خیلی با مشکل روبروست چون استعدادهای زیادی در رده پایه ای بوشهر وجود دارد. مسئولین استان باید فکر بهتری در رابطه با این رده سنی بنمایند.
– اول مهر ماه به مرحله سوم اردوی تیم ملی نونهالان خواهم رفت و چندی دیگر در یک تورنمنت بین المللی که در کشور ایتالیا برگزار خواهد شد شرکت خواهیم کرد.
– این مسابقات در کمپ تیم اینتر میلان خواهد بود و اگر کسی در آن جا خوش درخشید می تواند به عضویت تیم پایه ای اینتر درآید البته با نظر مساعد ایتالیائی ها.
– علاقه خاصی به تیم فوتبال شاهین بوشهر دارم و دوست دارم روزی در این تیم خدمت کنم، وقتی که در اصفهان و در جمع دوستانم خبرهای نتایج بد شاهین به گوشم می رسد، بخدا گریه ام می گیرد. وقتی می بینم که با پولهای زیاد، بازیکنانی به شاهین آورده اند که نیمی از توان خودشان استفاده نمی کنند واقعاً تاسف می خورم.
– تا سال قبل در دو شیفت درس می خواندم و دو زنگ آخر را به دلیل تمرینات از دست می دادم ولی امسال در یک مدرسه ثبت نام کرده ام فقط یک شیفت صبح به مدرسه خواهم رفت. امیدوارم روزی پیراهن مقدس تیم ملی بزرگسالان و تیم سپاهان اصفهان را بر تن کنم. در اینجا جا دارد از همه مجموعه سپاهان آقایان مامی زاده، مهدی پور، کریمی، هاشمی و مربی مان جهان مردی سپاسگزاری کنم و از مدیریت سپاهان جناب آقای ساکت که زحمات زیادی برای تیم های پایه ای می کشند تشکر ویژه ای داشته باشم. در پایان از پدر و مادرم که در طول این یک سال رنج دوری از بوشهر را تحمل کرده اند و برای راحتی و آسایش من همه کار می کنند، تشکر بی نهایت دارم و از آقای حسن غریبی که در اصفهان اسباب پیوستم را به سپاهان مهیا کرد تشکر می کنم. امیدوارم روزی بتوانم برای دو هفته نامه بوشهر، نسیم جنوب و نصیر که همیشه و در همه حال به من لطف داشته اند قدم مثبتی بردارم و محبتهایشان را جبران کنم. سلام مرا به همه بوشهری ها برسانید.

آقایان علی رضا محمدی وعلی رضا حق پرست





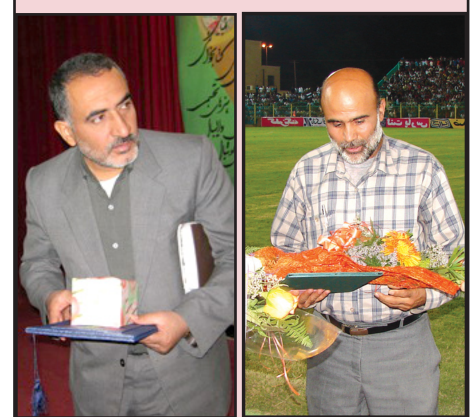
ورزشی نویسان توانمند
هفته نامه نسیم جنوب ، انتخاب بجا وشایسته شما را به عنوان مدیر روابط عمومی وامور هماهنگی موسسه فرهنگی ورزشی شاهین پارس جنوبی بوشهرتبریک گفته وامید است با اتکال به خداوند متعال در امور محوله موفق و سربلند باشید.

هیئت تحریریه هفته نامه نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی
نسیم جنوب
• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷



آقای حاجی زاده، این ظلم را در حق ورزش بوشهر نکنید



بی شک موفق ترین مدیرکل تربیت بدنی پس از انقلاب، حاج حسین وردیانی مدیرکل کنونی تربیت بدنی بوشهر است. وردیانی چهره ای آشنا برای ورزشکاران و فوتبال دوستان است که سالهاست به عنوان ورزشکار در عرصه ورزشی استان حضور داشته است و به همراه تیم های فوتبال، افتخارات زیادی برای استان بدست آورده است.

پس از انقلاب مدیران کل زیادی بر روی صندلی ریاست تربیت بدنی استان نشستند، برخی خدماتی نمودند و برخی نیز به جز هدر دادن فرصت ها و بر هم زدن پتانسیل ها و از بین بردن امکانات کاری دیگر نکردند و رفتند. برای همین است که نامی از بسیاری از آنها در ورزش بوشهر نمانده و اگر هم مانده، خوشنامی نیست.

وضعیت بغرنج و ناکارآمد مدیریت تربیت بدنی در استان بوشهر سبب شد که سال ها ورزشکاران و ورزش دوستان و در راس آنها مطبوعات، خواستار حضور نیرویی بومی و ورزشی بر این مسند شوند. انتخاب حسین وردیانی به عنوان مدیرکل تربیت بدنی همان چیزی بود که سالها می خواستیم و زمان آن رسیده بود که یک نیروی بومی، لیاقت خود را در این عرصه نشان دهد.

اکنون با کمال افتخار می توانیم سرمان را بالا بگیریم و بگوییم که موفق ترین مدیرکل تربیت بدنی بعد از انقلاب، یک بومی و بوشهری بوده است و راه را بر کسانی که مدعی بودند در این زمینه بوشهری ها حرفی برای گفتن ندارند، ببندیم.

اما اکنون خبر می رسد که با توجه به زمان بازنشستگی وردیانی، سازمان تربیت بدنی کشور که از نزدیک در جریان فعالیت ها و اقدامات وردیانی بوده و آنها را بسیار مثبت ارزیابی نموده (بطوریکه هم اکنون به عنوان یکی از برترین مدیران ورزشی کشور معرفی می شود) از اداره کل آموزش و پرورش درخواست نماید تا با تمدید یکسال دیگر خدمت وردیانی در آموزش و پرورش موافقت نموده تا با تمدید انتقال او به تربیت بدنی، زمینه ادامه فعالیت وی در ورزش بوشهر فراهم شود. در این میان متاسفانه کسانی که با نگاه سیاسی و جناحی خود، همه چیز را می سنجند دست بکار شده اند تا جلوی این کار را بگیرند و با بهانه های واهی و غیر واقعی وردیانی را از میدان بدر کنند.

خبر می رسد که مخالف اصلی تمدید خدمت وردیانی در آموزش و پرورش، حاجی زاده مدیرکل افراطی آموزش و پرورش است که این روزها بدلیل حضور در ستاد تبلیغاتی احمدی نژاد، گل سر سبد اصولگرایان بوشهر شده و هر روز به عنوان کاندیدای یکی از مدیریتهای کلان استانی معرفی می شود. جالب تر این که گفته می شود که وی دلیل مخالفت خود را با این امر، حضور و کمک مالی وردیانی به ستاد میرحسین موسوی در بوشهر دانسته است.

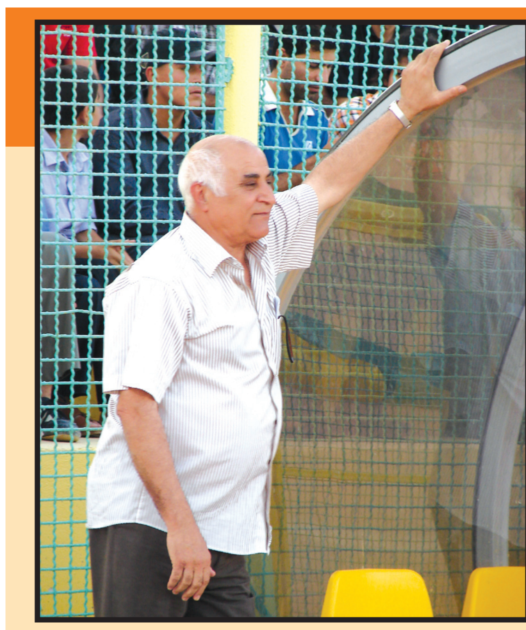
همه ما می دانیم که وردیانی یک فرد غیر سیاسی است که از شناخته ترین افراد انقلابی و مذهبی بوشهر است و سالهاست که در کسوت حامیان اصیل و ناب انقلاب قرار دارد و بعد از پیروزی انقلاب تا کنون همواره به عنوان یکی از معتمدین شهر بوشهر، مورد وثوق و اعتماد مردم بوده است. اکنون چگونه است که آقایان تازه ظهور کرده، کاسه داغ تر از آش شده و برای انقلابی بودن و یا نبودن افراد و صلاحیت دار بودن یا نبودن آنان، متر و ترازو درست کرده و دیگران را با سلایق و جناح و باند خود می سنجند و حتا سعی دارند نگاه جناحی خود را در ورزش نیز تسری و حاکم نمایند و اتفاقا اگر اصولگرایان در چند سال گذشته در زمینه مدیریتی بخواهند به کسی بنازند و موفقیت او را برای دوران خود افتخار بدانند، باید ممنون دار وردیانی باشند که حداقل در یک زمینه توانسته است برای آنها آبروداری کند.

دلیل خیالی همانند حضور و یا کمک مالی به ستاد میرحسین موسوی برای از میدان بیرون کردن وردیانی، در راستای تراشیدن بهانه های واهی برای بدر کردن مدیران اصیل انقلاب و بومی است که برخی از اصولگرایان افراطی تازه میدان دیده، برای اخراج مدیران غیر همسو بکار می گیرند که نمونه تلخ آنرا در پرونده افراشته از استانداری بوشهر و یا رضوی از پارسی جنوبی نیز شاهد بودیم که با همین بهانه های خیالی، به سادگی این دو پست مهم و کلان استانی از دست نیروهای بومی خارج کردند. اینبار نیز نوبت ورزش بوشهر است تا شاهد دخالت سلیقه های جناحی برای از میدان بدر کردن مدیری بومی و محبوب باشد تا ورزشکاران و ورزش دوستان و مردم بوشهر قربانی زد و بندهای سیاسی پشت پرده شوند.

اما سخنی که با حاجی زاده مدیرکل آموزش و پرورش استان داریم این است که به رایی که دادی قسمت می دهیم که این یکبار را از قید جناح بازی های سیاسی بگذر و دست از سر ورزش بردار و بگذار تا وردیانی در این عرصه به مردم بوشهر خدمت نماید و حذف مدیران غیر همسو و اضافه کردن مدیران همسوی خود را در دهها مدیرکلی دیگر استان دنبال کن، و راضی نباش که این ظلم را در حق ورزش بوشهر روا داشته شود که در این شرایط که شاهین در لیگ برتر حضور دارد، ورزش بوشهر بیشتر از هر زمان دیگری به وردیانی نیاز دارد.

محمود یاوری سرمربی تیم شاهین بوشهر:

به سن من نگاه نکنید، جرات من زیاد است



مشکلات بازی، از هافبک هایمان بود

گلر ما در حال رشد است و در بهترین سطح کیفی خودش بسر می برد اما ما یک گلر با کلاس بالاتر می خواهیم، در بازی با پاس همدان فاصله بین دفاع و خط هافبک زیاد بود ولی خط دفاعی ما بد نبودند. متاسفانه خط هافبک ما سنگین حرکت می کرد و مشکلاتی که در جریان بازی پیدا کردیم از هافبک هایمان بود، اما این را بگوییم که اشتباهات تیم روز به روز کمتر می شود.

تکمیل نیستیم

اصل موفقیت هر تیم، تکمیل ،ترمیم و تمرین است ما ترمیم می کنیم، تمرین هم می کنیم ولی تکمیل نیستیم، تیم ما فوتبالش با وزن تماشاگر یکی نیست، این تماشاگر همیشه در صحنه حقش این تیم نیست. به نظر من باید خیلی کار کنیم تا تیم شویم از زمانی که آمدم این عیب من بوده، موفقیت شاهین را با مردم تقسیم می کنم و سختی ها و باخت ها مال من است. اصلاً تعارف ندارم چون قبول مسئولیت کردم پای همه چیزش هم ایستاده ام، به سن من نگاه نکنید جرات من زیاد است.

وضعیت بچه ها ۵۰ درصد است

وضعیت و شرایط بدنی بچه ها در حدود ۴۰ الی ۵۰ درصد است در جریان تمرینات بدنشان دارد به حد خوب نزدیک می شود. شما در بازی مقابل استقلال، دوندگی بچه ها را مشاهده کردید و همین طور دیدید که برابر تیم جوان پاس بخصوص در ۴۵ دقیقه پایانی چگونه دوندگی می کردند بچه ها دارند به سمت بهتر شدن می روند.

برای یکی دو اشتباه بازیکن را تنبیه نخواهیم کرد

برابر استقلال اهواز، جمال حق شناس مدافع ما خوب بازی کرد اما دو اشتباه بزرگ کرد که دو گل برای حریف بهمراه داشت. من این شانس را به دیگر بازیکنان را می دهم که در بازی های دیگر هنر خود را به نمایش بگذارند، بهر حال حبیب هوشیار(مدافع شاهین) در تمرینات خوب بود و تا زمانی که او در زمین بود ما گل مساوی را به پاس همدان زدیم. البته ما برای یکی دو اشتباه بازیکن را تنبیه نخواهیم کرد.

مازاد نه، اخطار داده ام

من هنوز بازیکنی را مازاد اعلام نکرده ام فقط به دو بازیکن اخطار داده ام که خودشان را به بقیه برسانند. اگر رسانند که چه بهتر و اگر نه ما کمیت مان به ۲۱ بازیکن نرسیده، بازیکنی که در شرف پیشرفته اگر در لیگ یک بازی کند طوری نیست. به آن دو بازیکن هم فرصت دادم تا دو هفته دیگر بهتر شوند و برای آنها تمرینات اختصاص خواهیم داد.

حاشیه بازی دو تیم شاهین و پاس تهران:

حمایت ارتش جومونگ از شاهین بوشهر



سکه برای بازیکنان

– قبل از بازی ۳۰ سکه بهار آزادی از طرف مدیر عامل شاهین (کنگانی) به بازیکنان این تیم اهدا شد تا روحیه آنها مقابل تیم پاس همدان دو چندان شود.

– دوتیم نیم ساعت قبل از بازی یعنی ساعت (۱۶،۴۵) وارد زمین چمن شدند که قبل از همه گلرهای شاهین پا به زمین گذاشتند که با ورود آنها حاضرین در استادیوم با شعارهای خود، حال و هوای ورزشگاه را تغییر دادند.

– ساعت (۱۵،۵۰) ظرفیت استادیوم شهید بهشتی کاملاً پر شد و نکته جالب اینکه تعداد زیادی از کسانی که روی سکوها نشسته بودند از صبح دم درب ورزشگاه آماده ورود بودند. حضور دیگر علاقه مندان تیم شاهین از شهرستان های استان جای تقدیر داشت.

کریمیان با گل های سرخ

– مهرداد کریمیان بازیکن بوشهری تیم پاس همدان با شاخ گلهای سرخ رنگ وارد زمین شد و به سمت تماشاچیان شاهین رفت و به آنها گل تقدیم کرد، بوشهری ها هم حسابی او را تشویق کردند. پس از این صحنه کریمیان به چمن ورزشگاه بوشهر بوسه زد.

– درمیان تماشاگران ضلع شرقی تعدادی زیادی از هواداران شاهین با لباس های سبز در حال تشویق تیم شاهین بودند که بین خیل تماشاچیان کاملاً مشهود بودند.

– چند هوادار تیم شاهین که در جایگاه شمال غربی (ایرانجوانی ها) برای حمایت شاهین سرازپا نمی شناختند با دست گرفتن پرچم ارتش جومونگ، احساسات خود را بروز می دادند.

یاوری تولدت مبارک

– ۹/ مهرماه برابر با هفته نهم لیگ برتر، روز تولد سرمربی شاهین بود. زمانی که محمود یاوری وارد زمین شد هواداران شاهین یکصدا فریاد زدند یاوری یاوری تولدت مبارک، یاوری هم باتکان دادن دست جواب محبت آنها را داد.

– خلاصه طلسم جایگاه میهمان شکسته شد و تعدادی زیادی از تماشاگران با عنوان هواداران تیم پاس همدان وارد این قسمت از استادیوم شدند. بهر حال این عمل کار هر کسی بود دستش درد نکند.

– با اینکه سرمربی پاس همدان (علیرضا منصوریان) اعلام کرده بود روزبه شاه علی دوست را به علت سه اخطاره بودن در اختیار ندارم، این بازیکن شماره ۱۴ پاس، ۹۰ دقیقه برای همدانی ها بازی کرد.

– رعایت ادب، نظم و هماهنگی بین هواداران در حین بازی، حکایت از شخصیت بالای هم استانیهایمان را می رساند. آنها در شعارهای خود هم از هارمونی خوبی برخوردار بودند که جای دارد از کانون هواداران تقدیر گردد.

پاس بدون حاشیه

– بهادر عبدی در این بازی یکی از کسانی بود که تا دقیقه ۹۰ می دوید ومی جنگید، عبدی در این دیدار سه موقعیت گل را از پاسی ها گرفت به همین دلیل تماشاگران او را تشویق می کردند.

– تیم پاس از جمله تیم های بود که به بوشهر آمده بود ونه حاشیه ای داشت نه حاشیه ای درست کرد. پس از مراسم کنفرانس مطبوعاتی سرمربیان با خبرنگاران، علیرضا منصوریان به میان هواداران شاهین رفت و با حوصله و لبخند به سئوالهای بوشهری ها پاسخ می داد.

– دقیقه ۲۷ بازی به دلیل تاریکی، نورافکنهای استادیوم یکی یکی روشن شد و کیفیت نور و روشنایی به حد عالی رسیده بود.

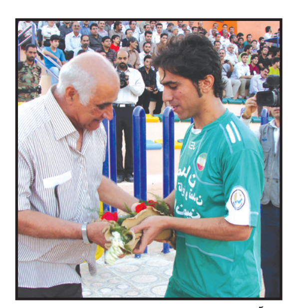
تجلیل از دوانی و وردیانی

– بین دو نیمه از حسین وردیانی و محمد دوانی تجلیل شد. این مراسم توسط مدیرعامل شاهین (کنگانی) انجام شد که برای هر کدام آنها یک لوح تقدیر و یک سکه بهار آزادی در نظر گرفته شده بود.

– با توجه به اینکه روز بازی شاهین و پاس (۸۸/۷/۹) نزدیک سالگرد درگذشت مرحوم احمد تورانی بود (۸۸/۷/۱۴) بهتر بود جناب مدیرعامل شاهین یا عوامل فرهنگی این باشگاه با نصب بنر یا با اعلام این مطلب از کاپیتان فقید این باشگاه بزرگ یادی می نمودند که این کار را فراموش کردند.

مهرداد کریمیان بازیکن بوشهری تیم پاس همدان:

بوشهریها که صدایم می زدند، گریه ام گرفت



– آقا مهرداد خسته نباشی بگو ببینیم از اینکه پس از سالها مقابل تیم خودت (شاهین) بازی می کردی چه احساسی داشتید؟

– با عرض سلام خدمت شما و همه بوشهری های با معرفت، باور کنید خیلی سخت بود که مقابل تیم خودم (شاهین) بازی می کردم، واقعاً نمی توانستم مثل همیشه بازی کنم، ماشاءا... به این همه تماشاگر با حال و پرشور.

– قبل از شروع مسابقه، با دسته گل به سمت تماشاچیان شاهین رفتی و آنها هم به شما ابراز لطف کردند، در آن لحظه چه احساسی داشتید؟

– حس خیلی خوبی بهم دست داد، یاد آن زمان افتادم که در شاهین بازی می کردم. احساس می کنم هنوز بوشهری ها من را دوست دارند. در این بازی یاد ایام جوانی ام افتادم.

– بازی را چگونه ارزیابی می کنید؟

– بازی بدی نبود. من فکر می کنم تیم شاهین با این طرفدارانش و حمایت نود دقیقه آنها برای همه تیم های که به بوشهر خواهند آمد دردسر درست خواهد کرد و یقه تیم های بزرگ در بوشهر گرفته خواهد شد. شاهین در نیمه دوم بازی را در اختیار داشت و ما در این نیمه یک مقدار دفاعی کار کردیم که از گلی که زده بودیم حفاظت کنیم، فکر می کنم مساوی نتیجه مناسبی برای ما بود.

– اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید؟

– زمانی که بوشهریها مرا صدا می زدند گریه ام گرفته بود و نمی دانستم چه کار کنم. از طرق هفته نامه شما که همیشه به من و برادرم لطف دارد، اعلام می کنم که بوشهری ها دوستتان دارم.

علیرضا منصوریان سرمربی پاس همدان:

امیدوارم بوشهری ها من را حلال کنند



یک امتیاز در بوشهر کار سختی بود

با نیت کسب امتیاز به بوشهر آمده بودیم، یک امتیاز در بوشهری که چهار گل به مس کرمان زده کار سختی بود، آنهم مقابل شاهینی که آقای یاوری آن را احیا کرده، قبل بازی با خودم فکر می کردم که نکنه نتیجه شاهین و استقلال تهران در جام حذفی تکرار شود. خدا را شکر این بلا در کسوت مربیگری من را نگرفت و با یک امتیاز سوار هواپیما شدیم

بازیکنان شاهین در فضای برد مس کرمان قرار داشتند

مهرداد کریمیان بازیکن بوشهری تیم، روز قبل بازی با شاهین در یک شرایط خاص روحی و روانی قرار گرفته بود. او پس از سالها می خواست روبروی تیم سابقش بازی کند. او بچه بسیار مودب و فوتبالیست با کلاسی است و به واقع نماینده شایسته ایست در فوتبال ایران، او ۶۰ دقیقه ای که برای ما بازی کرد واقعاً عالی کار کرد، به نظر من بازیکنان شاهین یه مقدار در فضای برد مس کرمان قرار داشتند و در حال و هوای آن بازی بودند.

با ذهنیت خوبی به بوشهر نیامدم

از دقیقه ۸۰ به بعد دوست داشتم بازی مساوی شود چون تیم ما زیر فشار رفت. با این هوادار و بازیکنان خوب شاهین، تیم های بزرگ لیگ برتر در بوشهر روزهای سختی خواهند داشت و به شما قول می دهم یقه خیلی تیم ها در بوشهر گرفته خواهد شد. امیدوارم بوشهری ها من را حلال کنند، من با یک ذهنیت خوبی به بوشهر نیامدم. چون به من گفته بودند که در بوشهر ممکنه به شما توهین کنند ولی همه چیز برعکس شد. من همین جا بگویم که تو بیست استادیومی که برای بازی و مربیگری رفتم، هیچ جای ایران را مثل بوشهری ها ندیدم. با اینکه بعضیِ اوقات بچه های ما بازی را از جریان می انداختند اصلا از سوی تماشاگران بوشهر مورد اعتراض قرار نمی گرفتند، واقعا هم مردم و هم هواداران خونگرمی دارید.

دریانوردان بوشهر، فولاد بیرجند را ذوب کرد



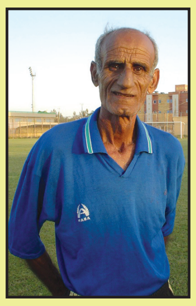
گلها: محمود ایوبی(۸،۷ و۲۷)محمد گلستانی (۲۱،۲۰ و۳۵)مصطفی کیانی(۱۷) و میثم بنایی(۳۲) برای بوشهر.

چهارشنبه هفته گذشته تیم فوتبال ساحلی دریانوردان بوشهر در هفته اول لیگ برتر ایران با هشت گل، تیم فیزیکی و خشن فولاد و بیرجند را گل باران کرد و گرگور آنها را پر از گلهای گساری نمود. دریانوردان که نایب قهرمانی لیگ سال گذشته را یدک می کشد، با شرایط بد مالی مواجه است که در حال حاضر هیچ مسئولی، ریالی به این تیم شایسته پرداخت نکرده است. نکته جالب این دیدار این بود که حضور فرماندار بوشهر در روز چهارشنبه در کنار بچه های دریانوردان باعث روحیه آنها گردید. در این روز گلر دریانوردان (مهدی قربانی) از ناحیه بینی دچار شکستگی شدید شد که باشگاه برای خرج عمل جراحی این بازیکن نیز با مشکل روبروست. امید است مسئولین نگاه شان به سمت سواحل بوشهر معطوف کنند، چون پا برهنه هائی هستند که نیاز به محبت آنها دارند.



روی خط شاهین

اشتباه فاحش خط دفاعی شاهین



رضا ماهینی مهاجم اسبق تیم شاهین: با وجود اینکه خط هافبک این تیم (کرمی و پتروویچ) مرتب حمایت همه جانبه از آنها می کردند یک لحظه به داد دفاع نرسیدن که همین باعث گل خوردن شاهین شد. بوشهری ها ۲۰ دقیقه اول را طوفانی بازی کردند و باید در این دقایق کار را تمام می کردند که این کار را نکردند. باید به خط دفاعی شاهین رسیدگی شود. در تیم شاهین این عبداله کرمی بود که مزد فوتبال زیبایش یک گل بود که شادی بخش بوشهری ها شد. شاهین فوتبال خوبی بازی نکرد اما برای من سئوال است که به کدام دلیل پتروویچ تعویض شد.

ضعیف ترین منطقه تیم شاهین همین خط دفاعی است



علی پور شاکر مدافع اسبق تیم شاهین : در بازی شاهین مقابل تیم پاس همدان، مدافعان شاهین زمانی که تحت فشار قرار می گرفتند تمرکز را از دست می دادند و در محوطه جریمه فضای مناسب را به حریف می دادند. نکته قابل توجه و مثبت خط دفاعی شاهین این بود که زمان حمله بخصوص مدافعان کناری خوب عمل می کردند ولی متاسفانه در زمان دفاع که کار اصلی آنها بود خوب کار نمی کردند. مدافعان مرکزی شاهین روی توپهای ارسالی از جانب پاسی ها که پشت سر آنها فرستاده می شد بخوبی پوشش نمی دادند. باید پذیرفت که متاسفانه ضعیف ترین منطقه تیم شاهین همین خط دفاعی است، مخصوصاً مرکز آن. اگر این پیر فوتبال ایران (یاوری) اندیشه ای به حال این منطقه نکند، روزهای سختی را در انتظار خواهیم داشت.

دروازه بان در مهار توپ خوب عمل نکرد



حیدر غلامی نژاد دروازه بان اسبق شاهین : در دقیقه ۶ بازی روشنگر دروازه بان یک پاس اشتباه با دست به حریف واگذار کرد که همان توپ خطر خیلی جدی روی دروازه اش اتفاق افتاد که شانس آورد که دروازه اش باز نشد. در دقیقه ۱۳ بازی بود که مدافعان میانی شاهین روی قوس ۱۸ قدم اشتباه کردن و توپ را به فروارد پاس دادند که آن ضربه ای نه چندان دقیق و محکم به طرف دروازه زده شد و جاگیری دروازه بان خوب بود اما در دفع توپ خوب کار نکرد و توپ پس از برخورد به دست دروازه بان گل شد. زمانی کار یک دروازه بان خوب است که همین توپها را بگیرد یا رد کند به قول دروازه بانها ۱۰۰را به صفر تبدیل کند. در دقیقه ۳۷ بازی بود که شوت زوایه بسته به دروازه شاهین زده شد و جاگیری دروازه بان خوب بود ولی در مهار توپ خوب عمل نکرد و توپ پس از برخورد به دست دروازه بان به تیرعمودی برخورد کرد که شانس با او یار بود که مثل بازی با تراکتور نشد. نیمه دوم کم کارترین بازیکن دروازه بان شاهین بود.

در ضمن به عنوان یک پیش کشوت چند نکته یادآوری به آقای روشنگر دروازه بان محبوب شاهین دارم:۱- روی توپهای زمینی و کنار تیرها بیشتر کار کند بخصوص سمت چپ خودش.۲- در تک به تک شدن با فروارد ها بیشتر کار کند.۳- با خط دفاع بیشتر صحبت کند برای جاگیری و یارگیری چون دروازه بان بیشتر از بقیه بازی کنان مسلط روی زمین است.۴- در خروجها هوایی خوب است ولی باید با قدرت بیشتر خروج کند که خودش آسیب نبیند.۵- روی شروع مجدد بازی و ارسال توپ به یار خودی خیلی بیشتر از اینها باید کار کند.

آمار بازی شاهین پارس جنوبی و پاس همدان

شاهین پارس جنوبی	آمار پایان بازی	پاس همدان
۱	گل	۱
۱۱	خطا	۲۰
۷	کرنر	۷
٤	موقعیت خطرناک گل	٤
٤	شوت در چارچوب	۱
۶	شوت خارج از چارچوب	۱
۶	ضربه ایستگاهی	٤
۳۰	اوت دستی	۳۱
۳٤	ارسال توپ	۲۶
۱۳۷	پاس های سالم	۷۰
۳۸	پاس های غیرسالم	۲٤
۳۰	تعداد توپ در منطقه یک سوم	٤۷
۶	واکنش دروازه بان	۱۲
۱۰	شروع مجدد دروازه بان	۳۱
۲	آفساید	۳

پدیده جوی : آسمان صاف — رطوبت : ۵۷ درصد
سمت باد : شمال غربی تا شمال شرقی — دما : °۳۷ سانتیگراد
سرعت باد : ۱۲ تا ۳۶ کیلومتر در ساعت